





سهراب مبشری

حمد حکیمی پور:

تشکیل جریان سوم یک نیاز طبیعی است

واقعیت این است که تقسیم‌بندی سنتی که به استقرار نظام سیاسی ما منجر شده دیگر جوابگوی واقعیت سیاسی ماست و تقسیم‌بندی‌هایی مثل راست و چپ، دوم خرداد و معاون‌الله کار، بیشتر ساده‌گردن صورت مساله است.

اظهارات دو شخصیت اصلاح طلب که حداقل در یک مورد، مضمون واحدی دارد، در روزهای اخیر توجه افکار عمومی ایران را به خود جلب کرده است. مثلاً الله شمس الراعظین و صادق زیب‌اکلام در دو موضوع‌گیری جداگانه گفته‌اند که جنبش اصلاح طلبی در ایران پا گذشت رفسنجانی در جریان کارزار انتخاباتی مجلس ششم، مرتبک خطأ شده است. شمس الراعظین از مستولان روزنامه‌های توافق شده جامعه است. شناس از آزادگان پس از طی حبسی طولانی مدت، طی توسل، شساط و صحیح آزادگان را باید مخالفین خارج از حکومت را به مصاحبه‌ای گفته است همان‌گونه که باید مخالفین خارج از حکومت را به موافق روند اصلاحات تبدیل کرد، در درون نظام نیز باید به دنبال گسترش پایگاه اصلاح طلبی بود نه حذف و کنارگذاشتن نیروها از آن. صادق زیب‌اکلام از شخصیت‌های لیرال نزدیک به برخی از نیروهای اصلاح طلب حکومتی نیز نظری همین مضمون را تکرار کرده و در نقد «تندروی» در قبال هاشمی رفسنجانی، به ویژه از جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت به خاطر دنباله‌روی از جبهه مشارکت انتقاد کرده است.

تا آنجا که به ضرورت استقلال جنبش دانشجویی و عدم پیروی آن از احزاب حکومتی مربوط می‌شود، سخنان آقای زیب‌اکلام مورد تائید نماست. مانندیم، گویند نه به چجهه مشارکت، نه به جزو کارگزاران و نه

به هیچ حزب دیگری نباید اجازه داد استقلال تشكلهای دانشجویی و  
ساختمانی نهادهای جنیش مدنی و دمکراتیک کشور را نقض کردد، این  
نهادها را بدنباله رو سیاستهای خود تبدیل کنند. این بر خود جنبش  
دانشجویی است که از استقلال فکری و سیاسی خود پاسداری کند،  
امری که بخشی از دفتر تحکیم وحدت در سالهای اخیر بدان کم بهای  
دادهند و اختلافات فعلی در صفوں این تشکل نیز بدین خاطر بالا گرفته

نهاده. مانیز  
گذشته اصلاح طلبان حکومتی نیز بجهات، آقای زیبا کلام از گذشته اصلاح طلبان حکومتی نیز بجهات، مانند آقای زیبا کلام می‌گویند تا وقتی این نیروها به انتقاد صادقانه از نقش سرکوبگرانه خود در دهه ۶۰ نیردازند، نمی‌توان به بینانهای مردم‌سالارانه اندیشه و عملکرد این نیروها اطیبه‌یان داشت.

اما موضعی که آقای زیبا کلام با حرکت از آن به طرح انتقادات پرداخته است، بسیار سؤال برانگیز است. همه‌گردن این انتقادات با تقدیر از «تدبری» در قبال رفسنجانی، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که مباداً هدف اصلی آقای زیبا کلام تبا همان قبول‌الден اشتباهی با فسنجانی به جنبش اصلاحات است و سایر بخششای موضع‌گیری یشان تنها برای پیشبرد این هدف آمده‌اند. این ظن هنگامی تقویت می‌گردد که می‌بینیم مشابه این موضع در مورد رفسنجانی، از سوی آقای شمس نیز اتخاذ می‌شود. به نظر می‌رسد در برخی محالات اصلاح طلبان، مباحث معینی به این اظهارات شماهنه‌گ و همسو انجامیده

ست. جوهر این مباحث را می‌توان در این خلاصه نمود که در برابر نظراتی که «آرامش فعال» و میاشات و تعلل افراطی اصلاح طلبان حکومتی در برایر محافظه کاران را عامل رکود و سکون فعلی جنبش اصلاحات می‌دانند، برخی بر این باورند که جنبش اصلاحات در قبال نیروهای «میانه» در نظام جمهوری اسلامی که مظہر آنها رفسنجانی است، بر تک تندری شده است. طبیعی است که از دل این دو موضع، برای ایندۀ نیز دو سیاست مختلف بیرون آید: سیاستی که تکیه بر مبارزه و شکل مستقل مردم را به عنوان راه نجات اصلاحات پیشنهاد می‌کند، در برایر سیاستی که همچون گذشته به بالای حکومت چشم دوخته است در آنجا برای اصلاحات حکومتی در کسب متحдан جدید یا کسب متحдан از دسترفتای می‌کوشد. با عبارت دیگر، سیاستی که محور گنگاه خود را به تدریج به خارج از حکومت مستقل می‌کند، در برایر سیاست، که راه نجات، اداره دون مکوم می‌ستجو و کند.

مشی ائتلاف با فرسنچانی برای نجات اصلاحات، طبعاً نمی‌تواند بدون تأثیرات معینی بر برنامه و دستور کار اصلاحات در پیش گرفته شود.

جریان سوم عمده‌تا مشکل از نسل پرستگر یعنی نسل ۴۰ تا ۵۰ سال است که دغدغه توجیه گذشته را ندارد، می‌تواند ام افزایی خود را صرف نگاه به این دهه کند و از همه مهم‌تر اینکه این جریان و این نسل دنبال نخبه‌پروری است نه بیدرسی.

تشریف‌گری این مقاله را به دکتر علی‌اصغر شفیعی، استاد دانشگاه تهران و بنیاد ایران می‌دانم. همچنین بخوبیت می‌دانم که این مقاله در پایان دوره تحصیلی خود در دانشگاه تهران نوشته شده است.

اعشو شورای شهر تهران با افرزوده جریان سوم عمدتاً مشکل از نسل پرشگر یعنی نسل ۲۰ تا ۴۰ سال است که دنداغه توجیه گذشته را ندارد، می تواند تمام انرژی خود را در دیرکوبی واقعیت یابی مانیست و قیمت بندی هایی مثل راست و پ، دوم خرداد و محافظه کار، شتر ساده کردن صورت مبالغ است.

نماینده، و این رفتار یا بد نهادینه  
شود و نسل ما جریان سوم را  
دنیال تا اصلاح رفتار در  
واکنش های مقابله افراد و گروهها  
صورت گیرد.

همه مهم تر اینکه این جریان و  
این نسل دنبال نخبه پروری است  
نه نخبه پرستی.  
وی افزود: جریان سوم می آید  
تا راههایی را که گذشتگان  
رشید کنند و این روش را تبدیل  
وی شکاف بین نسل ها، دارای  
ندارها، اقوام، دین و دولت و  
کاف سنت - مدر نیسم را  
کاکاف هایی فعال در جامعه ایرانی  
آنده و افزود: این شکاف های

وی سپاهیان در پروردگار استاد روزانه سویور دش و سرویسی  
فکری خط سوم اظهار داشت: ادامه راه را کاوش دهد. این  
این جریان در بطن خواسته‌های جریان برای نقد آمده است نه  
تاریخی مردم ایران و جریان برای نفع گذشتگان.  
اصلاح طلب است و جدای از این حکمی پور مطالبه اصلی  
جریان سوم را همان مطالباتی که عضو شورای اسلامی شهر  
مردم برای آن هزینه پرداخته‌اند جریان سوم را  
آنها در جهت کم کردن هزینه‌ها و ران برای تغییر در سویور پندی  
لایسی است و با این وجود نیاز  
کی تقطیم‌بندی جدید در  
ایام سیاسی احساس می‌شود.

داست و گفت: می توان تمام خواسته های ملت را در چهار هدف آزادی، امنیت، عدالت و قانونگرایی تقسیم بندی کرد که چهار نسل داشته هر کدام آن را به شیوه خاص خود دنبال می کردد.

اینکو نیازها بنتند، دسوزان بال راه جدیدی هی گزند، چرا به در حال حاضر از نظر ایت های سیاسی، ما وضعیت اسلامی نداریم و طبیور جریان م یک نیاز طبیعی، شرایطی است.

نیاشی از غیرکارکردی بودن  
وی افزود: نسل‌های گذشته ما  
همواره به دنبال این انداد  
بوده‌اند و جریان سوم می‌خواهد  
این چهار هدف را با هزینه‌های  
کمتر دنبال کند و می‌تواند با تکیه  
آن‌ساند، می‌اید که هزینه‌ها را  
بر خردگرانی انتقادی در این راه  
نهش دهد، بنابراین برای رد  
موقع شود.

انتخابات را تحریم کند بلکه از راههای قانونی مطالباتش را دنبال می‌کند ولی به هر حال می‌توان بخشی از آن ۱۴ میلیون نفری خطر سوم اظهار داشت: این جریان از یک پرسش تاریخی آغاز شد، بداین معنا که چرا هزینه‌های مابیش از پایده است و چرا ملت مابعی رغم استحقاق حکمی پور با تاکید بر اینکه انتقاد خردمندانه نقد است ولی نظری نمی‌کند، در برای زمینه‌های نظری خط سوم اظهار داشت: این وارد با تراز منفی مواجه شد و هزینه‌های که باخته‌اند هیچ‌گاه با فایده‌ها خواهی نداشته است، پس باید ز را مشت کرد و جریان سوم عضو شورای مرکزی خانه اباب افزود: در کشور ما، مردم واره با تراز منفی مواجه شدند و هزینه‌های که باخته‌اند هیچ‌گاه با فایده‌ها خواهی نداشته است، پس باید

نامه همسر رئیس طوسی به کمیسیون اصل ۹۰  
از شش ماه و نیم بازداشت و چهار بار ملاقات، سازمان زندان‌ها وجود زندانی به نام رضا رئیس طوسی را انکار کرد؛  
از آن روزتاری؛ همسرم ۱۰ روز پیش در آخرین ملاقات گفت طی مدت بازداشت ۴ بار تاصر حد مرگ کشیده شده است،  
دفعه نیجم اشنام از سرحد مرگ، چه کسی مسئول است؟

که قاضی پرونده جناب حداد و کارکنان شعبه ۲۶ همگی این زندانی سیاسی را بارها دیده‌اند، بنابر این هیچ نتهاادی در قوه قضائیه نمی‌تواند از وجود یک زندانی سیاسی که چهار بار در محل این شعبدی با خانوارهای دیدار داشته اظهار باس اطلاعی کند یا بگوید چنین زندانی وجود ندارد.	بازداشت شده ملی مذهبی و نیز همسر یکی از شهروندان این کشور که سوابق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اش از کلیه مشمولان درجه اول و دوم و سوم کشور بیشتر بوده حق دارم بدانم:
	۱- طی شش ماه و نیم گذشته همسر در کدام زندان نگهداری شده است.
	۲- چه چریان و نهادی این

متذکر می شویم، هم مردم بازداشت را تجسس داده است.

- ۳- در شرایطی که کسی مسئولیت نگهداری این زندانی را بر عهده نمی گیرد آیا ایشان در معرض شکنجه روحی و جسمانی قرار داشته اند یا نه.
- ۴- در صورتی که معلوم شود رضا رئیس طوسی تحت فشارهای نامتعارف بوده چه کسی پاسخگوی چنین قانونشکنی و حقشی در قوه قضائیه جمهوری اسلامی است.

در ضمن رسا اعلام می کنم

باقیت گردید سازمان زندان ها  
سلام کرده است که پیرو  
نایت های انجام شده، در دفتر و  
ساده این سازمان،  
داشت شده ای به نام رضا  
س طوسی ثبت نشده است.  
اینجانب بارها نگرانی خود  
سبت به محل زندان و شرایط  
نگهداری هم مردم به کمیسیون  
کم کرده بودم ولی نامه اخیر  
رمان زندان ها نگرانی مرا دو  
ان کرده است.

بایست محترم کمیسیون اصل  
اینجانب بعنوان همسر این

## به مناسبت شخصتمنی سالگرد تأسیس حزب توده ایران

## تاریخ حزب توده ایران بخشی از تاریخ جنبش چپ ایران است

حزب توده ایران، نخستین حزب سیاسی به مفهوم مدرن آن در  
حیات سیاسی ایران بود. احزاب به مثابه رکن مهم مردم‌سالاری  
و جامعه مدنی، تنها از تأسیس حزب توده ایران بدین سو است  
که مورد توجه سیاستداران ایرانی و افکار عمومی قرار گرفتند.  
سایر احزاب سیاسی ایران در فعالیت خود به طور مستقیم یا  
غیرمستقیم از حزب توده ایران آموختند.

بسیاری از اصول مسلم تجدد و دمکراسی مانند دفاع از حقوق  
ملی اقلیت‌های غیر فارس، دفاع از حق تشکیل زحمتکشان و سایر  
مگروه‌های اجتماعی و ضرورت تکیه بر فعالیت مستقل و مشکل  
اقشار مردم در حیات سیاسی و اجتماعی، برای نخستین بار  
توسط حزب توده ایران در عرصه سیاست ایران مطرح شد و  
مورد دفاع پیگیر قرار گرفت.

در کنار همه این دستاوردها، تاریخ حزب توده ایران از آغاز  
با خطاهای و انحرافات نیز حمراء بود. پیروی از سیاست خارجی  
حزب کمونیست شوروی، از آغاز به استقلال سیاسی و فکری  
حزب توده ایران لطمه زد. حیات داخلی حزب توده ایران که در  
سال های نخست متأثر از اصول دمکراسی درون‌حربی بود، با  
سرکوب حزب از پیغم ۱۳۲۷ بد بعد به تدریج به سانترالیسم  
غیرdemکراتیک گرایش یافت. مبارزه دمکراتیک توده‌ای که در  
نخستین سالهای حیات حزب، اساس مشی حزب را تشکیل  
می‌داد، در سالهای بعد در بسیاری از موارد جای خود را به  
توطنه گری اقلایی داد.

حزب توده ایران که در سالهای نخست فعالیت خود، می‌کوشید آزادی‌بخواهان و عدالت پژوهان را صرفنظر از عقاید فلسفی آنان مشکل کند، بعدها به حزبی با تفسیری انعطاف‌ناپذیر از یک ایدئولوژی واحد تبدیل شد. برخوردهای خصمانه حزب به سایر نیروهای چپ و دمکرات که به ویند از انشعاب خلیل ملکی آغاز شد، بد مبارزه مردم ایران برای آزادی و استقلال لطمات بزرگی وارد آورد.

با این همه، تاریخ جنیش چپ ایران با تاریخ حزب توده ایران گره خورده است. مردم ایران، سوسیالیسم و نیروی چپ را با حزب توده ایران شناختند و هنوز نام چپ و سوسیالیسم برای بسیاری از مردم ما، حزب توده ایران را تداعی می‌کند. فعالیت هر نیرویی که بر خود نام چپ می‌نهاد، خواهانخواه در تداوم حرکت تاریخی حزب توده ایران قلمداد می‌شود. نیروهای چپ به جای فرار از مستولیت تاریخی در مقابل تاریخ حزب توده ایران، باید این تاریخ را بخشی از تاریخ خود دانسته، با تکیه بر دستاوردهای آن به تقدیم طهاها و انحرافات آن پردازنند. تنها چنین برخورد مستوانه‌ای است که راه افزایش اعتبار چپ را در صحنه سیاست ایران خواهد گشود.

بیش از نیم میلیون نفر

در جشن اومانیته شرکت کردند.

خبرگزاری فرانسه

یا کسب اخبار جدید از اوضاع سیاسی ایران به ما مراجعه می‌کردند. میز تشریفات سازمان به زبان‌های فارسی و فرانسه، کتاب‌های فارسی و فرانسه صنایع دستی، فرش و غذای ایرانی توجه بسیاری را جلب می‌کرد. طی دو روز جشن، ملاقات هائی در چهارچوب روابط سازمان ما و احزاب و نیروهای مستقری ایرانی و خارجی انجام گرفت.

امسال به ابتکار و پیشنهاد رفقاء سازمان در فرانسه غرفه‌ای برای همیستگی با مردم افغانستان اختصاص یافته بود که مردم را توجه قرار گرفت. پیش‌امدهای اخیر توجه افکار عجمومی فرانسویان را به مسئله افغانستان و مردم فراموش شده آن چندین براپر کرده بود. این غرفه یا تابلوی «همیستگی با مردم افغانستان» علیه ترویسم علیه طالبان در کنار غرفه کار قرار داشت. عکس‌های از زندگی مردم ستدیده افغانستان و نامه‌های همیستگی زنان فرانسوی با زنان افغانی غرفه افغانستان را ترتیب کرده بود.

چشم اول امنیتیه امال در جو تشویش و هراس، فضائی از بگانگی و همفرکری و بازاندیشی بوجود آورده بود. جمیعت پرشور و چشمگیر، متاثر از تراژدی حوادث اخیر در جشن شرکت کرده بودند و این در حالی بود که تسامم گردد همانی‌های پیش‌بینی شده در هفتاد آخر سیستانی نیز بدليل امنیتی لغو گردیده بود.

چشن اول امنیتیه امسال محلی برای طرح مسائل روز بود. کنسرت‌های متعددی که جوانان زیادی را جلب کرده بود به همراه چندین جلسه بحث و گفتگوی عمومی استقبال مردم را چند برابر کرده بود.

تسامم هشتمدانی که در چشن اول امنیتیه شرکت داشتند با جملاتی ساده و پراحساس همیستگی خود را با مردم آمریکا و نگرانی خود را از خطیر بروز خشونت‌های بعدی برآور داشتند.

روزنامه کار نیز به رسم هر سالدار در چشن اول امنیتیه فعالانه شرکت چست.

غرفه «کار» امسال پذیرای بازدیدکنندگان فراوانی بود که برای آشنایی

دوشنبه؟  
صفا!  
سه شنبه؟  
صفا!  
چهارشنبه؟  
صفا!  
پنجمینش؟  
صفا!

بعد پرسید: جمده دیگه چی؟  
گفت: جمده دیگه «صفی علیشاه»!! (خنده)  
حضور بلده اهل مملکت صفت و صفت علیشاه  
همستیم! (خنده حضار).

این جا چه می دهنده؟

لين چا چه می دهنده؟

پیغوان!

البد که تخته لیست،

باشد.

آفریز، چه چیزه؟

هدجه که هست

قطعاً بدون فایده نیست.

شاید که فیلم رفته هو لا

آری، ولن اگر نهاد،

پیکه هوز خوش کندن ما

امروز کار حضرت کیست!

هر دی که فشار می دهد!

چیزی نگو، به روشن نیارا:

من خواهد که فهم کنم

حال فشار قبرکه پیست

بیش بسته هر دیگر،

چرا؟

در جا بزن که بخ نزدنا

پیکه، دو.

که هر دی از سرفت

فیزاده: «شماره» پیسته!

من در هم کند شکم،

پایکت نیست، حوصله کنم:

پیکه لحظه بعد نوبت هاست:

چیزی زمانه تایه دویست.

ای وای، آخ، کمک!

(در حیرت و هچم زنان

پیکه نویسیده جیغ کشید،

پیکه زن به درد خوبیش گریسته.

لین سیم تو بگیر و برو!

وضع بدیست.

چشم، ولن،

دیدی که هن دوتاشدله،

لین چیره باز یکنفریست!

(تشویق حضار و تشکر سیمین بهبهانی)

## کوچه! آه! بکو با من، شور نسل جوانت کو؟



سیمین بهبهانی:

و اینجا داشتم از یه مجلس ختمی  
برمی گشتم، این شعر یادم او مده:

دیوار خیابان!

ای شهرباز خیابان شویند، دیوار خیابان را  
تایاد نخواند زین پس، اوراق پریشان را  
مغزد و دیوار را از حافظه عین خواهد  
تایاد نیارد دیگر غم ناهه جوان را  
دیوار چنان من دیدم، لبروز چینه هم بیشم  
آن یاوهونیسان را لین باوه؛ زدیلان را  
دیبورز چه هفتست بردی، خوش خودی و جان آزدی  
هر رقه که رنگین خوردی، خون بود خوش نانت را  
در خون هژران کودک، پروره شد لذتمن  
لین شوره که من موساند، دیواره زندان را  
بس دسته گل کر نکته، در گورنه گنجیدند  
لین است که پرگان کردند چنچیان میدانست  
گر خون هژران سروت، در پاره هر پاشیده است  
خوش دستی سرو آلیان، پرداخته تاوانت را  
ای شهرباز خیابان شویند، وز هرچه غلط من شویند  
چون تقره چالان پرخته، باوه و در لیوان را  
پاور کیم آیه، باوه، لین طرفه که اکوند دیگر  
فرمانده و پوله ها، دارد سرعالنت را؟  
(کف درخواست حضار)  
با یه طرز چطورید؟، ما تو مملکتون،  
خوب، سال هاست که، صفت داشتیم و حالا  
البته کمتر شده و دیگه به اون شدت  
صغریانی کند، توی یه سالانی، بعد، دید نه  
اون نگهبان پا شد و در سالان رو بست و  
دیده نمی شد، چون می گن ارزاق دیگه  
وجود ندارد! از خنده حضار، اگر می بشم،  
پولش نیست! خوب، اون وقت ها تایه  
جانی شلوغ می شد، بخصوص خانوما، که  
می رفتن تو خیابون، می پرسیدن: این جا  
چی می دن؟! این جا چی می دن؟! خلاصه،  
هر چی بود و ایستادن بالاخدا! (خنده)  
حضار. میگن که: به یکی گفتن: یعنی یکی  
آشناش رو دید و پرسید: کجایی؟  
نمی بیشم، آ?

گفت: شنیده صفت.

گفت: یدشنه چی؟

گفت: صفت!

همینطور افتاده پائین اون تپهها و لش  
مونده.

تندیس آهوب مبارک!

تندیس آهوب مبارک! (ای شهرباز و روشنانی  
از هن سلامن شاد برقو، خوشزیوی آشناز  
لیرام گل هایت به چشم، فرمد به رنگی جلوه دارد  
در مذهب لین خودنخیابان، زینده باد آن خودنخان  
تاریخه باره هرچهاریت، گرد چراغ در تینه  
سرخ و بخش و ارغوان، فارجن و سبز و طلائی  
برتابه بر سرسرکه ایان، که من بودند روزی  
جون لهزار شاه بزم، تخلیل از سر درهوانی  
بر لفک ابریشیان لین کاک زین ذرت  
نور و سیم آهسته باهم، سرگم کارنقوه سانی  
زان تیرهای خوش برس، صفت بسته گرد آبدان  
چون دانه ایشور و شن، شهر است غرق روشنانی  
در خاطره ای شهرباز، با هر چراش هست دلش  
آن جعلهها را بشیدان، از زانه که من هزدانی؟  
وقتی دوشب گردونه هایت خفتند و خاموشی گرفتی،  
گوئی زراوح شیدان، آید مدد درین مدنانی.  
گویا که در سوکه عینزان در لند هرش بادرانست  
در تو گزمه چو پاکوبد، خواب خلق بر آشوبید  
در توز ریمین، سایه ایان بانش کو؟  
هربیضن پی دیواری، «حجله تازه» نوادری  
نقان و پول و شارها جز خشنده بیان کو؟  
لشکر سیمه دوواره، یاوه های دل آذرب  
تازهانه بشیوه دهان، لایه لایه ایشان از روی  
سبزه روی سیمه چشی، لب نمی گزد از خشی  
شوپی سران وون شد شد شم دختر کالت کو؟  
لین شید و میزش کم، آن قلیل و تبارق گم  
حال و روز خوش بودت، این کجا شد آلت کو؟  
نام تازه ترا دیدم از شیده و پرسیدم:  
کزنهاده پیساران بر تیبه شنایش کو؟  
ای پر تهیه کردست، تا دیرفا بر دست،  
کوچه پیرشیده! مهدی! قلب گم جوانت کو؟  
خوب، چنگی و شن با چانی مستشکرم، این  
چانی های کاغذی واسه رفع سلامتی خیلی  
خاصیت دارد! (خنده حضار)، شعری  
می خونم و از کوچه های سال های شروع  
می کنم. سال شصت پیترین سال های  
بود، سال خفغان، سال کشتار، سال تلاشی و  
در هر یختن، سال گریختن، سال تدبیاد ستم  
دیدم کوچه های را پرگل کرد و خیابان ها را پرچراغ  
کرد و سرسه برآ پیچدها گذشت و اینا  
عاقبت دست مزدشو دادن بیش (خنده)  
حضار. خوب! من این شعر رو وقشت که  
دیدم کوچه های قشنه شد، دیدم دل من باز  
گوچه هایی بود که گفته بود: تا زمانه  
بنویدشان، لال مانده زیانت کو، پر از  
بلده! من همون شهری رو که دیگه بود، بعد  
نمیشه و اقعا نمی دونم چرا هنوزم باز  
نمی شه. یه مجسمه آهونی گذاشتے بودن  
سر تههای عیاس آباد، نسیدونم بادتون  
میاد عیاس آباد کجاست؟! حالا اون آهو  
شعری که می خونم کوچه نام داره، پیش

از تاریخی که این شعر سروده شده، کوچهها  
پر بود از همه پچه ها، فوتیل بازی کردن،

توب زدن، نوجوان های تازه بازی با

صدای های دو رگ، و بعد خاموشی بعد از  
ظاهرهای تابستانش. حالا همه رفته اند، با  
توی زندان هستند باده جیهه ها، این

بچه ها.

اشارة: گروهی از ایرانیان اهل ادب و شعر  
دوست مقیم اسلو در نروژ، در ماه مه ۱۹۹۸

کشورمان محمد مختاری و سیمین بهبهانی را

گرامی داشتند و در مراسمی گوش به  
شکرخانی و درستن آنان سپرندند. آنان

نی دانستند که قریب به هفت ماه بعد، جانه  
محمد مختاری در حاشیه ریگ آهن نزدیک

شهریار یافته خواهد شد، با گلوبی کیود که

آنقدر آن را فرشده بودند که ناخن هایش هم  
سیاه شده بود. مختاری اینکه در میان ما

نیست، اما یادش در ضمیر روشن همه  
دوستداران ادب و فرهنگ ایران جاودانه

است. برای این شماره متن سخنان و اشعار  
غزل بانوی شعر معاصر ایران، خامن سیمین

بهبهانی را برگزیده داده اند. متن بیانات ایشان از روی

نوای پیاده در نزدیک است. لازم به تذکر است، این

مطلوب را چندی پیش در نشریه ایسترن تی

«نیروز»، چاپ لندن بدون اجازه به بازچاپ  
آن اقدام کرد!

\* \* \*

سلام بر شما!

از پدریانی شما با چانی مستشکرم، این  
چانی های کاغذی واسه رفع سلامتی خیلی

خاصیت دارد! (خنده حضار)، شعری  
می خونم و از کوچه های سال های شروع

می کنم. سال شصت پیترین سال های  
بود، سال خفغان، سال کشتار، سال تلاشی و

در هر یختن، سال گریختن، سال تدبیاد ستم

و پنهان ماندن در مخفی گاهها، و چنگ، و  
هچوم شهیدان، و اعدامی های زیاد در

زندان. این بیترین سالی است که من  
به خاطر دارم از دوران بیست ساله.

شعری که می خونم کوچه نام داره، پیش

## محسن مخلباف

### مدال «فلینی» را

#### دريافت كرد



فیلم «سفر  
تندخان» به  
کارگردانی  
مخلباف مدل  
فلینی یونسکو  
را به خود  
اختصاص داد.  
«کوشیر»  
ماتسورا» بیز  
کل سازمان  
یونسکو این  
مدال را طی  
مراسمی در  
محل یونسکو  
در پاریس قبل از نمایش این فیلم به محسن  
مخلباف اهداء خواهد کرد.

مدال فرمنگی «قدریکو فلینی» یونسکو در  
سال ۱۹۹۵ به وسیله نقاش مشهور «والری  
آدامی» در تمجید و قدردانی از فلینی سینما خلق  
شده است. این جایزه برای نخستین بار در چهل  
و هشتمن فستیوال جشنواره فیلم کن به «پی بر

و بیوت» رئیس این جشنواره اهدا شد. «جروم  
کلیمان» رئیس شبکه تلویزیونی مشترک فرانسه  
و آلمان مشهور به «آرته»، ایباس کیارستی و  
سیمیرا مخلباف کارگردانان ایرانی، «وانسا  
رودگراو» هنرپیشه مشهور فرانسوی از جمله  
پردویو هنرپیشه مشهور فرانسوی از جمله

## هشتمین فستیوال تئاتر ایرانی (کلن)

### «فستیوال جاده ای ابریشم»



تئاتر ای ابریشم از رسالتی داشته است: از «درام -  
تئاتر»، «رقص - تئاتر» و «عروسک - تئاتر!»!  
همچنین، جهت گسترش و برد باز هم بیشتر  
فستیوال پیشنهاد شده است که فستیوال امسال  
زیر نظر یک شورای احیا و حمایت اداره فرهنگ کلن،  
شخص ماری هولن کرم «به کار خود ادامه  
خواهد داد. تا پاکار گروهی گستردگر،  
دوازده میلیون ریالی شود. این ترکیب به ماده  
اجازه خواهد داد، تا پاکار گروهی گستردگر.

با اطلاعاتی در باره فستیوال

هشتمین فستیوال تئاتر ایرانی (کلن)، امسال  
با یک پیش درآمد و پیزه روز چهارشنبه ۳۱

اکتبر ۲۰۰۱ و سپس از تاریخ ۱۶ نوامبر (جمعه) تا ۲۱

نومبر (چهارشنبه) ۲۰۰۱ در تئاتر «باتور» با  
شرکت ۱۶ گروه نمایشی، ادame خواهد یافت.

این گروهها شامل سه گروه آسیایی (از آسیای  
میانه، دو گروه ترکی، پنج گروه آهانی و شش

اطلاعیه کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
به مناسبت گشایش دانشگاهها

## سرزندگی و پویایی جنبش دانشجویی در تحرک و استقلال آن است

اول ماه مهر در میهن ما روز آغاز سال تحصیلی است و امسال با ورود به شما دانشجویان عزیز تبریک می‌گویند و سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱ را سالی پربار برای شما و جشن متروقی و آزادیخواهانه دانشجویی در جهت کسب داشت خواهانه جشن ملی و دکارتیک شکوران مارزو می‌کنیم.

هر ساله دانشجویان با هزاران امید و ارزش گام به دانشگاه می‌گذرانند، به تحصیل علم می‌پردازند، در مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی شرکت می‌کنند، آگاهی و تجربه می‌اندوزند و امروز و فردا جامعه ما را بی می‌ریزند.

دانشگاهها همچون دهه‌های قل جایگاه و پیوایی در توسعه کشور و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ما دارند. دانشجویان با آگاهی بر این امر باید هم در عرصه علم اموزی و هم در عرصه سیاسی فعالانه شرکت کنند و بدین ترتیب در دانشگاهها و صحنه سیاسی کشور نقشی شایسته ایفا نمایند. دوره دانشجویی در کنار امر تحصیل، دوره تلاش و کوشش پیکر در دو راستای صنفی و سیاسی است. این عرصه ها با زندگی دانشجویی درآمیخته است. دانشجویان به مقتصی سن و موقعیت خود هم در دانشگاهها و هم در جامعه خواهند طرح و دستوری دارند، با تحولات جامعه و مبارزه افشار و طبقات مدرن درهم امیزند و در آن نقش پیشگام بازی کنند.

در حال حاضر دانشجویان در دانشگاهها با مسئله افت سطح آموزشی، سهیمه‌بندی و وجود گزینش، کمک‌کار علمی، تصفیه اسایید به دلایل مذهبی، عقدتی و سیاسی، کمک از جایشگاه‌های مجzen، فقر کتابخانه‌ها، نایابی سیاری از گزینه و گزینی قیمت کتابها و جزووهای درسی، یا نیون بودن کمک هرینه تحصیلی و عدم داردخت به موقع آن، کمیعد خواهانه، وضعیت دشوار و اینسانی زندگی در خوابگاهها و فضاهای آموزشی و گزینی سلف سرویس از یک سو از سوی دیگر باکترول پلیس و حراست، بسیج دانشجویی، گروههای فشار، منانسات اقتدارگر ایانه و یا جوام سازمان یافته قوه قضائیه به شکل‌های دانشجویی و اعمال فشار برای وابسته کردن جنبش دانشجویی به جناح‌های حکومتی روپرور استند.

دانشجویان با تشکیل شوراهای صنفی در جامعه دانشگاهها و دانشکده‌های مختلف کشور که به مثابه یکی از اشکال نهادهای مدنی در جامعه دانشگاهی کشور عمل می‌کنند در جهت ارتقا سطح علمی موسسات آموزش عالی و مشارکت در برنامه‌ریزی های آموزشی و دکارتیک کردن مناسبات دانشجویان با مدیریت دانشگاهها، ارتقا نتش نظراتی دانشجویان در امور دانشگاه، بالارفتمن امکان اجرای آنها دانشجویان در امور صنفی و حل معضلات دانشجویان گام برمی‌دارند. اما مدیریت دانشگاهها و دانشکدهها و وزارت علوم در مقابل ظارت دانشجویان بر امور دانشگاهها مقاومت می‌کند و اجازه نمی‌هدن که دانشجویان نتش آفرین باشند.

به نظر ما شوراهای صنفی یکی از نهادهای مدنی در جامعه دانشگاهی کشور است و می‌تواند باید در امور دانشگاهها نظارت کند، پیرامون تصمیم‌گیری های به مشورت خوانده شود و امکانات ضرور در اختیار آن قرار گیرد. با شرکت مستقیم دانشجویان شرایط مساعدتر برای حل معضلات آنها فراهم خواهد آمد.

دانشجویان عزیزا

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که بحرانی ژرف سرپایی جامعه ما را فراگرفته است. تحت فشار قراردادن شکل‌های دانشجویی و دستگیری دانشجویان بر فضای مرکز آموزشی سنتی می‌کند. تعدادی از دانشجویان دگراندیش و متفرقی در زندان به سر می‌برند و شماری دیگر از آنها به جرم آزاداندیشی اخراج گردیده و از تحصیل محروم شدند.

جامعه ما به درستی بر نتش و جایگاه جنبش دانشجویی در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور آگاهی دارد. نتش دانشجویان در شکل‌گیری و پیشروع جنبش اصلاحات غیرقابل انکار است. جنبش دانشجویی از دوم خرداد به این سو تجارب فراوانی اندوخته و گام‌های بلند برداشت است.

فاجعه ۱۸ تیر و سرکوب بی رحمانه دانشجویان توسط جناح تسامیت‌گر از یک سو از سوی دیگر سعی و کوشش اصلاح طلبان در وابسته نگاهداشتی جنبش دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی به سیاست‌های خود و به دنبال آن تقدیر شکل‌های دانشجویی و دستگیری دانشجویان از جانب اصلاح طلبان حکومتی بر دانشجویان به جنبش دانشجویی لطفه سنجی واره ساخت و این یکی از زبان‌بارترین اقدامات جناح اصلاح طلب حکومت نسبت به تشکل‌های دانشجویی بوده است.

ما در تابستان امسال شاد آشکارشدن و حدت پاپن احتفالات در درون دفتر تحکیم و حدت که پیزگرین تنش دانشجویی است، پودم. در این تشکل دو گرایش نو و سنتی شکل گرفته است. شکاف آنها به درجه‌ای شدت پیدا کرد که آن دو تاکون قادر نشدند از یک نشست مشترک شورای مرکزی انتخاب کنند. تلاش فراکسون در این تنش کنند از جنبش دانشجویی و روزهای اخیر، استقلال دانشجویان را مورد هدف قرار داد.

روبرو شده است. در واقع بیانار تبلیغات روزهای اخیر، استقلال دانشجویان را مورد هدف قرار داد. این خطر برای جنبش دانشجویی که از سوی حافظه کاران به سوی آنها نشانه رفته است، نیست.

جنبش دانشجویی با وجود پیشرفت‌هایش، هنوز با مسائل متعددی روپرورست. مسلطی که اگر باش روش نیابد، می‌تواند زمینه‌ساز افت جنبش دانشجویی گردد. در راس این مسائل، استقلال جنبش دانشجویی را بر نمی‌تابند و به شکل‌های مختلف آنها را به اطاعت از سیاست‌های خود فرا می‌خوانند.

این امر موجب می‌شود که جنبش دانشجویی از موضوع نقد قدرت فاصله گیرد. در این شرایط مهترین مشکله دانشجویانی که با این وضعیت مخالف و از آن ناراضی مستند از یک سو مقابله با توطئه‌های سرکوبگران و دشمنان اصلاحات و از ایادی و از سوی دیگر جستجوی راههایی است که بتوانند استقلال جنبش خویش را بیدست آورند. به نظر ما چنانچه و سرزنده بیاناری و سیاست دانشجویی در استقلال آن است.

جنبش دانشجویی در درون خود نیز بروخوردگاهی انصار طلبانه روپرور است، نیروهای در درون این جنبش وجود دارند که اجازه نمی‌دهند که دیگر گرایش‌های فکری - سیاسی تشکل خود را بسیج نمایند و می‌توانند مسئلتانه حرکت کنند. این امر مغایر با موارن دمکراتیک و به زبان جنبش دانشجویی است.

توعیگری - سیاسی بین دانشجویان باید بتواند به تعدد تشکل‌های دانشجویی منجر شود. دانشجویان عزیزا

جنبش اصلاحات شرایط بس دشواری را می‌گذراند. روند اصلاحات به رکود گرانیده و تهابیات تسامیت‌گر ایان به جنبش اصلاحات با حدت تمام ادامه دارد. مطبوعات مستقل و منتقد تعطیل و چهارهای شاخص اصلاح طلب در زندان بسیار می‌برند. رای ۲۲ میلیونی مردم به ساختی تغییر در اوضاع سیاسی کشور و توانمندی برای موجود و سیاست‌های اصلاح طلبانه حکومتی بدویزه خاتمه بوجود نیارده است. ساختار سیاسی مبتنی بر نظام ولایت فقهی یکی از اصلی ترین موانع بر سر اراده تداوم و تعمیق اصلاحات است. به نظر ما در شرایط کشوری تلاش و مبارزه جنبش دانشجویی برای پاسداری از ارمان‌های ازادیخواهانه و دمکراتیک پایید موافع ساختاری تداوم اصلاحات را برای مردم بازگو کنند و پیگویند که اصلاحات جز با اصلاح اساسی ساختارهای سیاسی تحقق نمی‌پاید و نیز می‌باشد برخواستها و طالبات دمکراتیک جنبش اصلاح طلبانه تاکید نمایند. باید از سازمان‌های دانشجویی دگراندیش در دانشگاهها دفاع کرد و همچنین به ایجاد ارتباطات گسترده با سایر اقوام ایرانی بردن ایده‌های ازادیخواهانه در میان آنان وهم به شکل‌های دانشجویی در این ایده‌ها معاشره کاران اقدام کرد. جنبش دانشجویی با انتخاب شعارها و تاکتیک‌های مناسب برای تاثیرگذاری بر روند اصلاحات می‌تواند به تقویت موارن دمکراتیک در درون جنبش و تشکل‌های کنک و بدین ترتیب برای تأمین استقلال خود و بازگشت به موضع نقد قدرت برای بی‌ریزی یک جنبش «مقامت مدنی» که شعارها و مطالبات روشین ضداستبدادی و آزادیخواهانه داشته باشد، تلاش کند.

امید و آرزوی ما این است که در سال تحصیلی جدید جنبش دانشجویی به اهداف خود نزدیک شود و فصلی توین در مبارزه ازادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه خود در جنبش اصلاحات گشوده شود.

اول مهرماه ۱۳۸۰ کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## راه‌حل‌ها را باید

### در میان توده دانشجویان جستجو کرد

به نقل از سایت اخبار روز

رجیان انتقادی زمانی می‌تواند خشم‌انداز تازه‌ای در برابر دانشجویان پکشاید، که تقد خود به وصفیت موجود

یک سال پیش، از نخستین روزهای شهربور

یک سال پیش، از تبلیغات گسترده و پرچمی از سوی جبهه اسلامی اصلاح طلبانه آن از

سیاست‌های اسلامی و مصالحه‌های اسلامی اصلاح طلبانه که بزرگ‌ترین بودن بر نامه و این از

جهه دوم خرداد، اعلامیه‌های سازمان ملی نظیر

مجاهدین خداوندی انتقالات اسلامی و جبهه شمارکت و... دانشجویان را بی‌وقف به «ارامش فعال» فرا

می‌خوانند!

اسمال در آغاز سال تحصیلی، نه از آن مصالحه‌های سخنگویان را باز تبلیغات در میان این اشخاص

که بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

قدرت و نشانهای حکومتی خوده است. از تبلیغات اسلامی این اشخاص

زمانی پیش روی می‌نماید که جنبش دانشجویان

شده است. این اشخاص از این اشخاص می‌گذرد و نه از آن پاسداری نماید. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

قریب ترین باید خود بپرسی و باید این اشخاص

از این اشخاص می‌گذرد و نه از آن پاسداری نماید. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده تبدیل شود که دیگر

علاءهای تبلیغاتی خود را باز تبلیغاتی می‌گیرد. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص

بزرگ‌ترین نظمیه ای از بزرگ‌ترین از جمله دفعه تحریم و حدت از بستگی خود به

در خطر تدریس شده است. این اشخاص



## استعفای دسته جمعی نمایندگان استان کردستان

در اعتراض به عدم توجه دولت به مطالبات مردم کردستان نمایندگان استان کردستان در مجلس شورا دسته جمعی در نامه‌ای خطاب به هیات رئیسه مجلس از نمایندگی مردم استعفای دادند.

در این نامه آمده است که: برایر با ماده ۹۲ آئین نامه مجلس شورا و بهدلیل عدم توجه دولت خاتمه بیوژه وزارت کشور به مطالبات حقه و قانونی مردم کردستان، عدم اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و قائل نشدن حق برایر برای کردی‌ها اهل تسنن، بی توجهی رئیس جمهوری در اجرای اصل ۱۲۱ قانون اساسی که بر گسترش عدالت و حمایت از حقوق ملت است و عدم تهمی دلت به حل مشکلات به حق مردم کرد از نمایندگی مردم استعفا می‌دهیم.

این نامه به امضای بهال الدین ادب، جلال جلالی زاده، سید مسعود حسینی، محمد محمد رضائی، عبدالله سهرابی و صلال الدین علائی نمایندگان سنتج، قروه، مریوان، سقز و پاوه رسیده است.

به دنبال انتشار نامه، بهال الدین ادب اظهار داشت: مجمع نمایندگان استان کردستان در جلسه بعداز ظهر پنج شنبه خود نظر به بی توجهی دولت به نظر اشان در مورد انتصاب استاندار کردستان متفقاً اقدام به استعفا از نمایندگی مجلس کردند. وی خاطرنشان کرد که هیئت ریسے باید این استعفانامه را در دستور کار خود قرار داده و رسیدگی کند.

محمد رضا خاتمی نایب رئیس مجلس شورا استعفای شش نماینده استان کردستان را غیرقابل قبول خواند. وی گفت: طبق آئین نامه داخلی مجلس، استعفای نمایندگان باید به صورت تک تک و انفرادی باشد.

است: نظر به این امارات و شواهدی دید  
می شود که عده ای عالما و عامدا، چون همیشه  
قصد تحریک احساسات پاک و بی اایش مردم  
را در استان دارند. تا باز هم بتوانند، چون  
گذشت، فراتر از قانون به مردم موسمن استان  
حاکمیت کرده، امر و نهی کنند.  
در این بیانیه خطاب به مردم آمده است:  
انتقادا دریم به حسایشها و نقشه ها و ترفه های  
این عناصر شناخته شده، توجه و عنایت کافی  
داداشته و صبر و مثانت و منش خود را حفظ کرده.  
اجاز دیده که وکلای شما از مجاری قانونی  
پیگیر موضوع پاشند. بدینه است همواره حق  
اعتراض دسته جمعی قانونی را با مشارکت  
عموم مردم برای خود شما مردم شریف محفوظ  
می داریم.  
در پایان این بیانیه آمده است: امید است  
وزارت کشور، متوجه عمل ناپسند خود شده و  
فرورا در صدد چیزان اشتباه و اصلاح عملکرد  
خود برأی. تا موجب تشنج و درگیری در سطح  
استان رنج کشیده کرستان نشود.

شایطی است، که وزارت کشور در خصوص استانیایی دیگر چنین کوده و اخبار جلسا مشترک با نمایندگان تبران در جراید نیز اتفاکس یافته است. اینک دولت اصلاحات و وزارت کشور، که مدعی مردم‌سالاری است، بدون مکتابات و خواستهای نمایندگان شما، که تجلی خواست و اراده مردم می‌باشد، خود بدون پروگارادی حتی یک جلسه معارفه تشریفاتی، اقدام به انتصاب استاندار برای کردستان کرده است.

این بیانیه می‌افزاید: ما انجام این عمل را بی توجهی به خواست مردم کردستان تلقی و از تمام افرمایی قانونی، در چهت دفاع از شخصیت والا و حقوق قانونی مردم غیور و شریف کرد، استناده کرده، وزارت کشور و کم توجهان به اراده مردم را متوجه عواقب اینکوئه تصمیمات خواهیم کرد. دولت یا باید رسم شعار مردم‌سالاری و قانون‌گرانی و شایسته‌سالاری را پس بگیرد، و یا پاسخگوی مطالبات مردمی باشد، که از طریق وکلای خود، خواسته‌ها را مطرح کنند. در این بیانیه آمده

مجموع نمایندگان استان کردستان با انتشار بیانیه‌ای انتصاب استاندار چیدید کردستان را از سوی وزارت کشور، اشتباه خواند.

په گزارش اینتا در این بیانیه تصریح شده است: مردم شرف استان کردستان! ما، به عنوان خادمان شما، در خانه ملت، در چارچوب قانون اساسی و قوانین مصوب، مطالبات بحرث و قانونی مردم مومن و شرف استان را، در راستای اینها و ظایف نمایندگی خود، مطرح کرده‌ایم و پیگیر بوده‌ایم، از مطالبات دیرین ۹۱ قانون اساسی و استناده از نیروهای کرد اهل سنت، در مدیریتیان کلان و میانه کشور بوده و هست. مسافانه در زمان شعار شایسته‌سالاری و قانون مداری و ایران برای همه ایرانیان و مردم‌سالاری، نه تنها به شایستگان کرده اهل سنت هیچ توجهی نشده، بلکه در خواستهای مردم نیز نادیده گرفته شد. برخلاف دوران قبل از دوره به اصطلاح اصلاحات و جامعه مدنی، حتی در انتصاب استاندار کوچکترین رایزنی و هیئتکری با نمایندگان شما انجام نشد. این در

دومین سمینار اور توگرافی زبان ترکی در تهران برگزار شد

حصاری و دکتر حسین فیض الهی برگزار گردید و آقایان دکتر جمال آیرملو، حسن مجیدزاده، صدابردار وظیفه و میرهدایت حصاری مقالات خود را در زمینه توسعه و ترقی پسوندها در تاریخ، اصلاح در طرز نگارش و تاریخ الفبا خواندند.

در بخش دوم آقایان کاویانی، حسین طهماسب پور، اسماعیل هادی و مهندس علی محمدزاده مقالات خود را در زمینه موضوع سینتار خواندند.

در بایان نیز از طرف حضار شوالیه درباره مقالات ارائه شده مطرح گردید که توپیجات لازم داده شد.

آذربایجانی برگزار شد مقالات متعددی در مورد روش‌های وصول به چهارچوب معین در طرز نگارش آن و نگارش به طرز صحیح و علمی ارائه شد.

در این سمینار علمی آقایان دکتر جواد هیئت رئیس سینماز و مهندس ابراهیم رفوف مدیر سینماز در مورد چکونگی برس‌گزاری سینماز و انتظار رعایت و به کارگیری چهارچوب‌های قبول شده در این سمینار را از طرف نویسندهان و روزنامه‌گاران را خواستار شدند.

سمینار روز پنجشنبه در قسمت اول به ریاست آقایان پیزاده بهزادی، عزیز محسنی و کریم مشروطه‌چی و در قسمت دوم به ریاست آقایان حسین راشدی، مسیده‌بخت

دومین سمینار اور توگرگانی زبان ترکی روزنهای چهارم و پانزدهم شهریورماه گزاری در محل فرهنگسرای اندیشه تهران با هدف رسیدن به یک چهارچوب معین در تکارش علمی و صحیح زبان ترکی با حضور صاحبنظران و هیئت علمی برگزار شد. این سمینار در مورد چگونگی نگارش حرروف صلادار در ترکی آذربایجانی پسوندها، کلمات مهمان و دیگر مباحث علمی زبان ترکی بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در این گردشانی علمی که با حضور ساتیدان شگاهها، زیانشناسان و صاحبنظران زبان و ادبیات ترکی،

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر:

## اعتراض به بخوردهای قوه قضائیه با دانشجویان

سلامی و عضو شورای عمومی دفتر تحکیم  
حدت، در حالی که از اتهامات وی اطلاعاتی  
بر دست نیست، از جمله مهمترین اتفاقات چند  
ماه اخیر داشتگاه می باشد.

این بیانی از برخی نهادهای دانشجویی و  
نمچنی اداره حراست داشتگاه به دلیل نوع  
عالیتهایشان استقاد کرده و نوشته است:  
ظہارات یکی از اعضای اسجن در جلسه  
خصوصی با حراست و معاونت دانشجویی به  
عنوان موارد اتهامی وی در احضار به دادگاه

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی با انتشار بیانیه‌ای به مناسب آغاز تحصیلی نسبت به نحوه برخورد قوه قضائیه با پرخی دانشجویان اعتراض کرد. به گزارش ایسنا در بخشی از این بیانیه آمده است: بازگشایی دانشگاه‌ها همیشه خون تازه‌ای در پیکر جامعه جاری می‌سازد و فضای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را چهارمی‌تاže می‌بخشد. این آغاز همواره یادور خاطرات تلخ و شیرین فراوانی است. حضور دانشجویان در

ساخته می شود.

در ادامه این بیانیه افزوده شده است:

فشارهای رسمی و غیررسمی مخالفان آزادی بر نپادها و فعالان سیاسی مستقل بدرویه جریان های داشگاهی دانشجویی که نتش قابل تسویه را در مبتدی فسوآییندهای آزادی خواهانه و ارتقا طلبانه اجتماعی داشتند از یک سو و نحوه عملکرد نمایندگان مردم و در موادی عدم تومندی آنها در دفاع از حقوق ملت، ملاحظه کاری پیش از اندازه مطبوعات پاچی مانده از جریان اصلاح طلبی و... از سوی دیگر آینده اصلاحات را با ابهام جدی مواجه کرده است. رکود و بی رغبتی به وجود آمده در فضای سیاسی و اجتماعی حتی در داشگاهها، سکوت و تحديد نخبگان و اندیشمندان و صدھا مشکل دیگر که بر چهره فرهنگ و سیاست این مرز و بوم عارض شده است پس از گذشت یک قرن از نبضت های آزادی خواهانه مردم ایران شایسته نظام نمی باشد. و عملکرد مسئولان را با سوال جدی مواجه نموده است و نمی توانند فراموش کنند که مشروعیت و مقبولیت شرط اساسی پایندگی نظام است.

در پیان این بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان داشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی خواستار تجدید نظر در قرار وثیقه ۵۰ میلیونی علی رحمتی نژاد شده است.

## نامه اعتراض آمیز جمعی از مردم عرب

در پی پخش مسابقات فوتبال مقدماتی جام جهانی و آمدن تیم‌های کشورهای عربی به تهران چهت انجام بازی، برخی از هنرمندان ایرانی می‌گردند که می‌خواهند این تیم را در این مسابقات نمایند. از جمله بازی ایران با عربستان سعودی - این مسابقات «عرب‌ها» به کار گرفته شده‌بود. که عرب زبان خطه خوزستان شده بود که آن را نویشیدن بد خود تلقی کردند.

آن‌ها در طی نامه‌ای به سازمان صدا و سیما خاطرنشان ساختند که با توجه به ینکه فلسفه مسابقات ورزشی - نزدیکی ملت‌ها و اقوام است بکاربردن الفاظی این جنین توهین به این ملت‌هاست و باعث نیخش آنان می‌گردد، و خواستار آن شدند که ضمن گوشزدکردن این مسئله به گزارشگران، از جریحه‌دارکردن احساسات مردم عرب ایران پرهیز نمایند.

در نامه‌امده است: نظر به اینکه مردم عرب ایران همگام با تمام مردم این کشور نمی‌ترنگند از پیروزی تیم ملی فوتبال و دیگر میهمانی‌های ملی بر تیم‌های ملی هر کشوری رسور می‌شوند، آیا استفاده از الفاظی که از توهین به قومی که روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند از رسانه ملی صحیح است؟

چرا باید از لفظ عرب‌ها که کلمه‌ای عام و مامل مردم عرب جهان می‌شود استفاده کرد؟ مگر نمی‌شود موقعی که با عربستان سعودی بازی داشته باشیم بگوییم قطربهایا مگر یا قطر، بگوییم قطریها و ...

سه سال فقط دنبال تصویر فیلم‌نامه بودم!

۱۰ اشاره برای اولین بار فیلمی به زبان ترکی در ایران در دست تهیه است. اکبر سلیمانی کارگردان جوان سینمای کشور به تازه‌گی تبیه فیلم «توتوقن بویالار» را آغاز کرده است. نشانیه نوید اذربایجان با کارگردان این فیلم به گفتگو نشسته است که در زیر ملاحظه می‌کنید.

۹ به عنوان یک فیلمساز جوان ایندا توپیخانی درباره فیلم در دست ساختن «توتوقن بویالار» بهدیده؟

۱۰ این فیلم به زبان ادبی ترکی آذربایجان ساخته شده و در حقیقت اولین بار است که در ایران چنین فیلمی ساخته می‌شود. «توتوقن بویالار» فیلم بلند داستانی است که بازیگر نقش اول آن خاتم «گونای رحیمووا» از جمهوری اذربایجان دعوت به کار شده و نقش مقابل را ساعه‌ی خوش قیحه و دگراندیش و دوست ارجمند آقای حسین رزمی ایفا می‌کند در کل کار حرفه‌ای بلندی بود که دوستان سینمایی سیماری از آن حمله ذمیح الله صندی، احمد عسگری، حسین کریمی، روحجم مهیدی خانی و دیگر دوستان بندۀ را در ساخت این فیلم باری دادند.

۱۱ فیلم‌نامه فیلم آن، اگه متعاقبه به خنثی است و اساس،

۵ برای دستیابی به چنین فضایی‌ها بوده‌اید؟

۶ دیدهای و استادان هنر و ادبیات و موسیقی بوده‌اید؟

۷ دیالوگ‌های فیلم کلا شعر است. اشعار فیلم از شعرای بزرگی از محمد آزاد، ناظم حکمت همچنین عباس بابائی و حسین رزمی بوده است. شاید در مسوتو لوگ‌های فیلم از دیگر شاعران هم استفاده شود.

۸ تدوین و ساخت این فیلم چقدر به طول انداخته و به طور کلی به چه نحوی آن‌ها را به اینجا رسانیده؟

۹ فیلم‌نامه در سال ۱۳۷۶ به زبان فارسی نوشته شده بود با توجه به برخوردهایی که در طول سد سال گذشته از سوی عده‌ای معلوم‌الحال با این قوم بزرگ صورت گرفته بود بر خود واجب دید که این فیلم را به زبان مادریم برگردانم. بعد از ترجیمه فیلم‌نامه از نظرات استاد بزرگ پروفسور جواد هیئت مشاور فرهنگی بندۀ، آقای اکبر آزاد، دوست شاعر حسین رزمی، آقای عباس بابائی و دیگر دوستان حتی بازیگر نقش اول فیلم خانم گونای هم استفاده کردم.

۱۰ شاکنفیدکه محدودیت‌های زیادی مواجه بوده‌اید. آیا سیاست‌های فرهنگی وزارت ارشاد و حمایت‌های این وزارت‌خانه و احتمالاً مراکز مرتبه‌بازان امر توانه حدود توانسته است جوانان و هنرمندان جوان را که آینده را خواهند ساخت نسبت به کار خود امیدوار نفرکردند؟

۱۱ من سه سال فقط دنبال تصویر فیلم‌نامه بودم. آخر سر هم یا مشکلاتی روپرورد شدم که نمی‌خواهم آن را ذکر کنم. یک سری سیاست و خط مشی خاص، افراد خاص را به دنبال خود می‌کشد. من بدون تعارف بگریم هیچ حمایتی ندیدم. من و امثال من بافلسنده وجودی هنر کار می‌کیم و معتقد‌یم که «باید» را از پشت سر هنرمند بردارند. هنر در قالب نمی‌گنجد انشاء الله به ۱۰۰ سال آینده می‌توان امیدوار بود.

۱۲ چه مضمونی طراحی و تدوین کرده‌اند؟

۱۳ فیلم‌نامه ساخته ذهن خود بندۀ است و از هیچ اثر الهام‌گرفته نشده اما در طول سیر داستان از شعرای بزرگ ترک استفاده شده و به سبک لیریک و رومانتیک تهیه گردیده است.

۱۴ لوکشن‌های انتخابی شما در کجا بوده و بر اساس چه نیازهای آنها انتخاب کردید؟

۱۵ کل لوکشن‌های فیلم در منطقه کلیبر طراف قلعه پایک و نزدیک رود ارس بود و به لحاظ موقعیت عالی و زیبای منطقه، لوکشن‌ها انتخاب شدند.

۱۶ آیا نمونه‌های مشاهکار شما، در ایران وجود دارد؟

۱۷ همان‌طور که عرض کردم این اویین باری است که فیلمی به زبان ادبی ترکی در ایران ساخته می‌شود البته به زبان‌های دیگر از جمله کردی و لری کارهای فرهنگی داده شده است. مثلاً فیلم «سارای» داستانی برگرفته از آذربایجان سود ولی متناسبانه فیلم پس از ساخت به زبان ترکی دوبله شده بود در حالی که در «تسویون یویالار» بازیگران به زبان مادری خود صحبت می‌کنند.

۱۸ گفتم از امکانات و محدودیت‌های موجود گفتند.

۱۹ بینید این مشکلات ریشه‌ای است در همین لحظه و یا چند سال آینده حل شدنی نخواهد بود.

۲۰ به نظر من در ایران فیلم‌سازی جان سگ می‌خواهد. هفت تا جان که بندۀ به شخصه خاکرم برای ساختن یک فیلم بدهم. هنر محدودیت نمی‌شandas هر اصول و قاعده‌ی همی‌شandas و هر قانون نمی‌شandas. مشکل نیزی است. هر چارچوب و چوب بالای سر نمی‌شandas و نمی‌خواهد.

۲۱ فرهنگ ترکی آذربایجانی تاکنون حوزه سینما چندان که باسته آن باشد به تعمیر گشیده نشده است. در حالی که

## لټه افغانستان پس لز طالبان

بیزاد کریمی

بتواند قدرت تسلیحاتی هسته‌ای خود را حفظ نماید، در برایر هند تضعیف و بسیار نشود، سیاست تجزیه طلبانه در قبال کشمیر را پیش برد و با مشکله دشمن سی میلیارد دلار بدینهاش، اعتبارات مالی تازه‌ای بدست آورد و برایر و خامت اقتصادی کشور انگکی چاره‌جوبی نکند، و یا ینکه بر همان موضع تاکنونی در قبال افغانستان بایستد و بر حفظ طالبان دست بپرورد خویش در ارگان قدرت، پافشاری کند.

طالبان، بالاترین نقطه فواره حکومت جهادی و مذہبی در افغانستان بود که اکنون به سرعت پایانی می‌آید. پروژه ایجاد یک حکومت دینی یا تحت نام دین بد پایان خود رسیده است. این پروژه در افغانستان از نظر جهانی و منطقه‌ای فاقد اعتبار و در عرصه داخلی افغانستان شکست خورده است. بیرق داران رنگارنگ حکومت دینی و اسلامی در این کشور بیش از هزار است که با هم می‌جنگند و هیچ یک از آنها توانسته و نمی‌توانسته یک حکومت متمرکز و متحد را شکل دهد. حکومت غیردینی، امام ضرورتاً باید عامل نیرومند دین و باورهای اسلامی وستی افغانی‌ها را در نظر بگیرد.

با شه حاشیش: طالبان نسی تواند اُسس

ایا تحقیق این نقش، همگان در خواهند یافت که امریکا نه تنها قادر به مداخله غیر مستقیم از طریق دیپلماتیک، حمایت مالی و پشتیبانی نظامی و لجستیک در امور کشورهای است و نه فقط می‌تواند به حضور محدود نظامی در این یا آن نقطه جهان دست بزند، بلکه توانایی به تغییر قدرت سیاسی در یک کشور بد شیوه علی‌الو «قانونی» و البته با انتکای زور نظامی، سیاسی و مالی است!

مراکز تضمیمگیری سیاسی دولت آمریکا را چه اشتفته بازاری در برگرفته است. اما اگذشت چند روز، مغز سرد آمریکا فعال شد. برای ستر تزیی خای آمریکا، پاسخ به فروریزی برج های اقتدار مالی و درهم شکستن یکی از برج های مرکز قدرت نظامی این «آفای جهان» درین جستجو نشد که کنش های سیاسی، اقتصادی و نظامی محاذل قدرت در آمریکا از چه نوع است که چین و اکتشاهانی را در پی می آوردد؟ بنابراین نیروی انتشاری، از کدام نفرت و تحریر و سرخوردگی تغذیه مسی کند که این سان سنبدهای سلطنه گری آمریکا را نشانه می روند و خانه امن نژاد رام را به بهای جان خود امن نمایند. کنیاتام اراده اجتناب ناشای خود

تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران آمریکا، به زینه‌های رشد و گسترش تروریسم کاری ندانارند، برای آنها حفظ اقتدار جهانی آمریکا مسطح است. برای آنان، راه دفاع از این حررتی جوئی و حفظ سلطه گری شان، از خد

متعدد یا همسو با سیاست کنونی آمریکا و غرب هستند. موضوع در این رابطه تامین توافق آنها در شکل دهنده به قدرت پس از طالبان وحدت و متمم متعادن درون افغانستان هر یک از آنها در ساختار قدرت ای است. فرمولی که ظاهر آحوال آن توافق های اعلام شده و ناشده رو به حضور است، بازگرداندن ظاهرشاه به افغانستان با کمک اتحاد دش طالبان شامل مرکب از نیروهای حمد شاه مسعود - که در حساس ترین روزهای جیات سیاسی آتی افغانستان با توطئه پاکستان - طالبان - اسلامدین لادن، به قتل رسید - و بیرون های ازبک و نیز وحدت گروههای شیعه و کوشش برای کنده دشدن بخشی از نیروهای حکومت طالبان از هسته اصلی و مرکزی آن، و بعد هم تشکیل یک لویه جرگه برای تایید این صفتیم سیاسی تعین شده از خارج از افغانستان. چنین راه حلی برای افغانستان در سراسری کنونی شاید تنها راد و امکان نجات این کشور فلاکت نشسته و ویران شده باشد. بد شرط نیز، اولا هیچ کشور همسایه افغانستان و بویژه پاکستان خود را برگزار از تحولات سیاسی در افغانستان دور و برگزار نمی نماید. دوم آنکه، تزییق بول و امکانات برای سپاه ایستاند و چانگر فتن یعنی کشور نحیف و پیمار، در انحراف یک کشور تعین نیاشد. و سوم، رژیم ایجاد شده بر پایه تحداد قومی و ملی یا راعیات احترام به باور یعنی مسلمانان افغانستان در مسیر امرزوین و سوی تمدن، استوار باشد.

اینهمه، محوریت سازمان ملل متعدد در تحولات سیاسی این کشور را آنهم نه در یک محدوده زمانی کوتاه که برای مدتی طولانی بیجام می کند.

راه حل هائی جز این، تداوم فجایع این کشور برای مردم آن و صالح و امنیت منطقه و جهان خواهد بود. راه حل افغانستان، صرفاً داخلی یعنی، تنها دیپلماتیک و سیاسی نیست، و فقط فهم خارجی و به کارگیری زور نیست. در اینجا، زور با گرفت سیاسی توان باید شود و تناسب عوامل خارج و داخل به نحو درستی برقرار گردد. در مسئله کنونی افغانستان ما بایک سیاست و روش که مشمیز دولبه را می ماند، و بروبروئیم. پس در آرزوی تحقق وجه امید بخش تحولات اخیر باشیم و نگران وجه مایوس کننده بیم تحولات.

باشد که یک گروه ملی از افغانستان کثیرالملاله را نمایندگی کند. با توجه به دور کاری نداریم، بقیعین تجربه نزدیک دهالان گذشته هم نشان داد که دوره اعمال هژمونی یک قوم بر اقام دیگر در افغانستان به سر رسیده است. حتی می توان گفت که رژیم مابعد طالبان، از وoma رژیمی خواهد بود که در ترتیب آن همه ملتها و اقوام افغانستان را باید خود را از طریق نمایندگان سیاسی شان - که در روند زندگی سیاسی این کشور طی پیست سال گذشته و به ویژه پر پست جنگ های داخلی شکل گرفته اند - در قدرت شریک بینند.

مسئله افغانستان، دیر و قوی است که ابعاد منطقه ای و جهانی پیدا کرده است. به همین دلیل هم، راه حل افغانستان یک راه حل صرفاً داخلی نیست و حتی می توان گفت که عددتاً منطقه ای است. هر قوم و ملتی و هر نیرو و جریان سیاسی، با یکی از کشورهای هم جوگار افغانستان در پیوندی تنگاتگ و هزار تو سر قرار دارد و مقابلاً هر کشور همسایه افغانستان، خود را در سرنوشت سیاسی افغانستان ذینفع می داند و بست به سمت و سوی روندهای سیاسی در این کشور به اندازه کافی حساس است. گذشت آن دوره ای که راه حل افغانستان در گرو عدم محدود اخلاقی همگانی کشورهای همسایه در اوضاع داخلی این کشور و تأمین توافق بین نیروهای درون افغانستان در ایجاد تداوم یک حکومت و ساختار قدرت با ثبات بود. اکنون فعل و تعحالات سیاسی پیرامون آینده افغانستان حول یعنی محور صورت می گیرد که هر تیروی مخالف طالبان در افغانستان و امتداد این نیرو در کشورهای مختلف همسایه دور و نزدیک فغانستان چه موضوعی و سهی در به تیرکشیدن طالبان خواهد گرفت.

مشکل در اینجا، دشواری پاکستان است. این کشور که اکنون توسط کانون قدرت واقعی در تاریخ نیم قرنی این کشور ۵۰ ساله، یعنی زنزالهای ارتش ادare می شود، ژئوالهایی که در دو دهه گذشته هرچه بیشتر تقاب اسلامی بر پیغمبره زند و ارتش را در رابطه تنگاتگ با شنیدارگرایان اسلامی قرار دادند، بر سر دوراهی سی دشوار قرار گرفته است. یا باید به پیمان استراتژیک و تاریخی با آمریکا و فادار بماند و در نتیجه خواسته واشنگتن را اجابت کند تا



اصابیق این مساله مشخص شود. بسیار جای بحث و سؤال دارد در جامعه‌ای که مدعی دفاع از حقوق زاده‌ای هاست و داعیه گشتنگوی تصدیقها را دارد، ناگاه هستیم که برخی از شیوه‌وندان ما به خاطر حقوق خود که قانون آن را به رسمیت شناخته رزندانها هستند یا پرسخوردهای جدی با آنها

وابط مشخص شده نمی‌توانیم کلمات مبهمی را  
نطرخ کنیم و بحث اعتدال در جوامعی است که  
یشتر بافت سنتی دارند و مردم را با این عبارات از  
اکارهای تند برحدر می‌دارند، ولی در جامعه‌ای  
کهیچه جامعه مدرن که نظام نوین در آن حاکم است  
تاثرون تعیین کننده هنایی است، در چنین جامعه‌ای

فظه کاری

سی سرپوشی برای هف  
 فقط وضعيت موجود است

# اعتدال سیاسی سرپوشی برای محافظه‌گاری و حفظ وضعیت موجود است

تصویرت گرفته و عدای هم از سوی قانون شکنان زرباتی خشونت شده اند، کسانی هم هستند که عملای خشونت را سر لوحه کارهایشان قرار داده اند.

وی اظهار داشت: جریان اصلاح طلب باید به جای گرفتار شدن در کلی گونی به صورت صریح شفاف پاسخگوی این مسائل باشد تا اینکه برای عماکر کردن خود از پاسخگویی به ادبیات محافظه کاری گرفتار آید. در شرایط کنونی ما شناخته داشتیم که عدای از نمایندگان مجلس به دلیل ظاهرا نظر در حیطه نمایندگی که قانون هم آنرا صریح کرده محکوم به حبس شده اند و یا اگر مستفناهند کنند، موعد حمله قرار می گیرد.

اگر قرار است اصلاحی صورت پیگیرد باید در داخل خود حاکمیت صورت گیرد. عذری در پایان ظایار امیدواری کرده به جای کلی گونی های مبهم قوه قضائیه، مقتنه و مجریه در اصل با قانون شکنان در مر پیش و گروهی که باشند برخورد شود. ☐

صحیت از اعتدال جانی ندارد.  
عطیر افزود: در جامعه کسانی که در عرصه حکومت هستند نمی توانند خطکش و معیار مردم را افراد یا اعتدال قرار گیرند بلکه قانون مشخص کننده است و قانون هم در مواردی بسیار نشناخ سخن گفته و در برخی موارد هم ناراست و گر پُر ضعفی وجود دارد باید بر موانع قانونی مساله تاکید شود.  
وی با اشاره به اینکه هیچ تعریف مشخص و هیچ تابوی این کلمه وجود ندارد، گفت: در اصل مستفاده از این کلمه مبهم (اعتدال) نه تنها به بیهود رضیعت جامعه کم خواهد کرد بلکه وضعیت را ییچیدتر خواهد کرد. عطیر گفت: دولتی که مدعی یادهای مدنی و دفاع از شکل گیری یادهای مدنی در جامعه است، نمی تواند بجای این که زمینه شکل گیری نهادهای مدنی را فراهم کند جامعه را به پیگیری کالسات مبهم و کلی توصیه کند.  
وی افزود: در شرایط فعلی اقای خاتمی هم

برگرفته از نشریه اینترنتی اخبار روز  
قرار گیرد قانون است، قانونی که در پرگیرنده حقوق اسلامی مردم باشد. عطای گفت: در شرایط فعلی جامعه شاهد تقضی بخش عمداء ای از حقوق مردم هستیم و قوه قضاییه در برخورد با جامعه و متهمنان برخلاف قانون عمل می کند، اگر مردم از قوه قضاییه انتظار پاسخگوئی داشته باشند و یا آجیانا به نوع برخورد این قوه اعتراض کنند، دلیل افراط مردم نیست.

وی افزود: افراطیون کسانی هستند که مرزهای قانون را می شکنند و اگر بخواهیم یک قضاوت عادلانه داشته باشیم می بینیم که افراطی گری در حوزه حاکمیت سپاری بیشتر از جامعه بوده است، چنانچه شاهدیم این حوزه ها در مقابل هیچ مرجعی پاسخگو نیستند و عمل حقوق مردم را ضایع می کنند که در اصل این افراطی گری است.

وی در باره نیاز بر قراری استدال در جامعه

را ای مردم در سال ۷۶ در جامعه بوجود آمد،  
کسانی که این رای، عکس العلی در برابر آنها بود،  
بردم را به رعایت اعتدال توصیه نمودند.  
وی گفت: در جامعه ما ثابت شده است افرادی از  
اعتدال صحبت می‌کنند و قانون را پس می‌زنند که  
سعی می‌کنند از پاسخگوئی به مردم طغیر روند.  
وی افزود: بیشتر این صحبتها از سوی  
محافظه کاران مطرح شده و امروزه بخشی از جریان  
صلاح طلب نیز گرفتار آن شده‌اند و سعی می‌کنند با  
نمیک جستن به مشاهیر کلی و غیرمعین از  
پاسخگوئی به مردم شانه خالی کنند. بنابراین  
حکومت نمی‌تواند خطکش تعریف افراط، باشد چرا  
که در آن صورت هر انتقادی که از سوی مردم و  
جامعه نسبت به ضعف و سستی و مشکلاتی که در  
ساختمار حوزه قدرت است صورت گیرد، حکومت  
مردم را متهمن به افراطی گری می‌کند.

درست پنج سال پیش بود که «طالبان» با بیرون‌کشیدن دکتر نجیب از مقرب سازمان ملل در شهر کابل و شکنجه دهشتاتک و آنگاه قتل فجیع وی، فتح خود را تکمیر گفتند و بساط چنان ارجاع غنی را برای افغانستان پنهن کردند که حتی حکومت اسلامی ایران نیز از آن ابراز برآنت کرد. در آن زمان، حدائقی از واشنگتن پرخاست. هیچ دولتمرد امریکائی زبان به اعتراض نگشود که به همچ مجوزی، یک رهبر

سیاسی امنیا یافته و پسنه داده شده در مقر سازمان ملل متعدد - این خانه امن ملتها و این نهاد قانونی و رسمی بین المللی - آنسان شنیع به اسارت کشیده می شود و بی هیچ محابکهای بد قتل می رسد. غرب و بویژه امریکا، در وجود نجیب، در وجود حزبی که او به آن تعلق داشت و در آن گرایش اجتماعی - سیاسی که نجیب، وارث و در سالهای اخیر شاخص ترین نماینده آن بود، تنها خصوصت پیشین را می دیدند و هم از اینرو، قتل او را با سکوت رضایتباخش که در واقع جز قهقهه رسمی انتقام نبود، به نظره نشستند. «طالبان» به فراموشانده پروژهای بودند که غربی ها در پست چنگ سرد علیه اتحاد شوروی و چپ افغانستان پی ریختند، در طول ۱۵ سال انرا بی گرفتند و بالاخره هم حکومت اسلامی دست پروردۀ پاکستان - عمرستان را بی اوردن. ظاهرآ همه چیز بر وقی مراد امریکا بود! افغانستان، زیر برق اسلام طالبان امنیت را باز می یابد، روسیه و ایران از دور بازی خارج شده و این کشور در مدار استراتژیک امریکا

در این منطقه قرار می‌گیرد و راه کوتاه و «خودی» برای انتقال نفت و گاز آسیای میانه از این کشور به سواحل آقیانوس هند باز می‌شود! اما این رویاهای نشات‌گرفته از انحصار قدرت هم در اقتصاد و هم در سیاست، بسیار زود نشست بر آب شد. حساب غرب و مخصوصاً امریکا، هم در کنار گذاشتن قدرت‌های منطقه و هم در فراموش کردن و یا ناقص‌شمردن نیروی مقاومت و مخالفت علیه طالبان در درون افغانستان غلط از آب در آمد و هم بویژه آنجاکه عامل بنیادگرایی فرقاً افراطی از نوع وهابی در طالبان و نیز پشتون‌گرانی غلط آنهم در محدوده تیره‌های جنوبی پشتون‌ها در این حکومت تازه به قدرت رسیده را درک نکرد. نتیجه آن شد که این موجود عجیب‌الخلقت، چنان رونقی به کشت خشکاش در افغانستان ویران شده داد که هر اس بر جان چهاریان افتاد، چنان چنگی بر چهوره مدنیت و تمدن انداخت که حتی «بی‌خاصیت‌ترین» رسانه‌های غربی را که مهارت‌شان در استار فجایع حقوق بشری در کشورهای جهان سوم و برجسته کردن اولویت‌های سرمایه‌غیری است به صرافت نقد و اعتراض انداخت و چنان تکیه گاهی برای اسامه بن لادن‌ها فراهم اورد که در هیچ نقطه‌ای جهان مشابه آنرا نمی‌توان یافت و نه ممکن است که پیدا آید. و اکنون امریکا برآن شده است تا خودساخته را جاره کند!

تضمیم واشنگتن کاپیست و منتا آن جست؟

در تختین روزهای پس از فاجعه عملیات تروریستی در نیویورک و واشنگتن، دولتمردان امریکائی سخت مبهوت و بیینانک بودند و گیج‌سری آنها را فرا گرفته بود. روانشناسی خاص اینزو رها را روشنتر از همه «مرد اول» امریکا - جرج دبلیو بوش - بازتاب داد. او با تکرار این جمله که: «مان نمی‌ترسمی»، در واقع ترس کاخ سفید را اعتراض کرد و با به زبان اوردن این جمله بغایت ناخره‌دمدانه که «جنگ صلحی در پیش است»، نشان داد که

اعتدال سیاسی سرپوشی برای محافظه کاری و حفظ وضعیت موجود است، در اصل آنچه می‌تواند مشخص کننده چارچوب اعتدال باشد، قانون است. اکبر عطیری عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در گفتگو با خبرنگار ایسنا با بیان این مطلب اظهار داشت: در احادیث و ادبیات گذشته، ما همواره توصیه به اعتدال و میاندروی شده است، ولی امروز، اعتدال تبدیل به پوششی برای توجیه نقش حقوق شهروندان و شانه‌خالی کردن از پاسخگویی به مردم شده است.

وی افزود: اگر احیاناً بخواهیم اعتدال را بد معنای قانونگذاری و رعایت نظم و مقررات به کار ببریم بهتر است از واژه قانون که بسیار رسانتر است استفاده کنیم.

عطیری با اشاره با این که باید دقت کرده مفهوم اعتدال برای تختینی پار از سوی چه کسانی توصیه

## روشنفکران، مقبولیت و اثرگذاری اجتماعی

به نقل از نشریه دانشجویی «گفت و گوی»

روشنگری طبقاتی یک الگوی قوی است در جنبش چهانی چپ، جنبش کارگری در اروپا همواره با جنبش روشنگری نزدیکی نزدیکی زیادی داشته است. در ایران هم همینطور است. دلیلش هم این است که امراض چپ مارکسیست - لینینیستی چنین نظریهای دارند و روشنگر را عنصر پیشو و طبقه کارگر می‌شارند، و این را وظیفه طبقه کارگر می‌دانند که این عناصر را به خود جذب بکنند.

بسیاری از روشنگران سکولار و ملهم از اندیشه چپ بعد از انقلاب، خودشان را ملزم به برقراری پیوند با طبقه کارگر می‌دانند همانطور که خودتان اثارة کردید تاریخ جنبش چپ در ایران یک دوران سیار خطری دارد. از سال ۵۷ تا ۶۲ نیروهای چپ سکولار و بخشی از نیروهای چپ دینی از بازی سیاسی خارج می‌شوند. یعنی آن نیرویی که خودش را چپ می‌داند در واقع تولد جدیدی از سال ۶۱ تا ۶۲ به بعد دارد و این تولد را در چارچوب کنش و واکنش نیروهای بدست

تشنجی و غیره، ولی من معتقدم اگر جنیش روشنگری به حیات خودش ادامه بدهد به این سایل هم خواهد رسید.

□ نظر خود شما یعنوان بخشی از حرکت روشنگری،  
جمع به جنیش کارگری و نقش آن در حرکت اصلاحی گلی  
ست؟

■ در این زمینه ما آمار دقیقی در اختیار نداریم. چند را می‌توان به آن ارجاع کرد، تعداد محدودی مسکل‌های کارگریست، ارتباط آنها یعنان نیابانده از ارگ حداقل برای من مسلم نیست. مثلاً بین چهار ترین سندیکاهای کشور (خانه کارگر) و یادینگی کارگران ارتباطی دیده نمی‌شود. در واقع چجزی که همیشه برای من موجب تعجب بوده، دیدیکی خانه کارگر به کارگزاران بوده، چراکه ییشه سیاسی و نظری کارگزاران بیشتر به یک بربرالیسم شیوه است تا سوسیالیسم و سیاست کنترل اقتصادی.

به هر حال من معتقدم جنیش روشنگری باشد  
را بایطی فراهمن کند تا جنیش کارگری بتواند  
رواستهایش را بیان کند. چون دورانی که شما  
توان نماینده یک طبقه اجتماعی صحبت بکنید  
نمی‌دانسته است و این الگو دیگر کاربرد ندارد و مهم تر  
آن است که در واقع به این جنیش‌های مختلف  
امتحانی صدا داده شود و ما باید به تکریت نهادهای  
دانشجویان، کارگران، مزدیگیران  
از مردمان دولت و... هستند بینیشیم.  
ابن مبایحی که درباره جنیش‌ها مطلع می‌شوند نشان  
دند که روشنگریان از تفاوت افساری که در گذشته  
نشستند به یک خواست مشترک رسیدند. بطوری که مثلاً  
جنیش سازمان مساجدهاین بعنوان یک نیروی چپ در  
امتحانات‌های اقتصادی که ارائه می‌دهد مسئله اختصار و راقبیتی  
از ازار آزاد را مطلع می‌کند و یا آزادی را بعنوان خواست  
لیلی خودش. در واقع یک همکوشن در همه زمینه‌هایین  
مشترکان دیده می‌شود. همان چیزی که توکویاما بعنوان  
بر�یان دکتر اوسا مطلع می‌کند. به نظر شما چرا جنیش  
رواستهای مشترکی ایجاد شده است.

■ بینید، می توان در نوع رویکرد به لیرایسم شست. یکی نوع ایدئولوژیک آن است که با استناد از استدلال های بنیان گذاران این مکتب (که قول شما آخرین سختگو آنها فکر یاماست) این می شود. ولی یک وقت آزمون تجربه داریم. به نظر من در مورد ایران شق دوم لبرخ است. یعنی واقعیت جامعه باعث شده بیش و بیش از هر چیزی مساله آزادی و صدادادن به معنی مفهوم بشو، و اینکه جامعه خودش را ابراز می دارد تاروشنکر و گروه های خودجوش بتوانند

بزیرگ ترین انتخابات سال های اخیر را در نظر بینیم. من کسی که بتواند بگویید هر کدام از این دم، چرا و به چه دلایلی رای دادند را به چاشنی مطلع نباشم. تصور من این است که در این ۲۲ میلیون یا هدهنده هزاران نوع استدلار داریم و اینکه تازه از این استدلار چه جزئی را می خواهند، باز هم نوعی تر خواهد بود. این برای یک جامعه خیلی مترنما ک است و در اواقع یک وحدت موضوعی و مفهومی است و هر آن ممکن است بپاش. شما نتوانید تا یک مدتی اثربنایوها را ازام کید، هر کس که اینجا زندگی اجتماعی می کند به این تجییغ می رسد که جنبش اصلاحات در درون ارشد سیاست متنوع است. من فکر می کنم که این ساسنگرانی باعث می شود که ما بخواهیم که معمه خود را بازگو کند و گروههای مختلف رفاهی اشان را پژند، که آن وقت بر اساس این رفاهها بشود یک میثاق مشترک برای همزیستی را کرد.

نیز می‌تواند در آینده به دغدغه‌های اجتماعی تبدیل شوند.  
اگرچه در مسائل روزمره ایران، بند در حقنامه علومی جامعه تبدیل شد، به نظر شما فصل‌های مذکور مسأله مباحث جاری روشنگران ایران، که توافق‌نامه‌ای از آینده به دغدغه‌های اجتماعی تبدیل شوند؟

ثروت نیست بلکه مثلاً ناشی از تولید پایان روت، یا ناشی از رانت سیاسی است را دنبال می‌کند، ولی جامعه امروز لزوماً تصوّرش این بیسیست که اگر وضعیت ناعادلانه است، ناشی از نوزیع ناعادلانه ثروت است و در بسیاری از مکنترها، به ضعف شیوه تولید یا به عیوب فروش نشت، یا اشرات رانت خواری بر اقتصاد اشاره می‌شود. به نظر من آنچه مهم تر است، وجود ملتله‌های واسط نیست، بلکه خود آنديشه است. نيمشه می‌شود يك آنديشه غلظی را به درجات مختلفی ریقیک کرد تا برای هضم تو سط افراد مختلف ناسب گردد.

بریدار نزد و شاید زیان آنها پرای عامه مردم کاملاً قابل فهم نبود. بخشی دیگر روشنگرانی هستند که حالت عیانی نزد و به نوعی واسطه بین آن تعبکان و مسردم به شمار آیند. مثلاً اذچوچیوان را می‌توان در این دسته دانست. دوران مشروطه می‌بینیم خیلی از روشنگران دسته اول را می‌شناوریم در از کارهای سیاسی دخالت می‌کردند، در صورتی که نون سیاست از روشنگران نجده مار کارهای سیاسی داشتند. به نظر شما کارکرده هر کدام از این دو دسته حال حاضر چگونه است؟

شاید این ارزیابی که روشنگران در دوران مشروطه مستقیماً کار سیاسی می‌کردند کاملاً مست بود. روشنگران دوره مشروطه عمدتاً نیاشدند. روشنگران این بود که برای تغیر در جامعه، باید ب قدرت اصلی در جامعه (یعنی سلطان یا نظام شیوه‌نگرانی) تغیر کنند. به همین دلیل هم وقتی این شنگران می‌توشند و تکریک پرای اصلاحات نتیجتند، تصورشان این بود که پادشاه مملکت باید وضعیت را مسیدرید و خودش دست به این اصلاحات بزنند. اینکه آنها اینکه

جیس (سدابت) زاره، سنه مداری است که گوشه رومانی، سلم و بیانی و  
غیره دینی تزارک دیده شد و مقبول جامعه افتاد و سرگردگی سیاسی در جنیش  
صلاحات پیدا کرد.

© 2010 Pearson Education, Inc., publishing as Pearson Addison Wesley. All rights reserved.

می‌آورد که باقیانده نیروهای سیاسی هستند که شنکری است که آیا روشنکران همیشه در

بعد از این سال‌ها در کشور فعال هستند یعنی شما از ملت قدرت نیستید؟ وقتی عمیق نگاه می‌کنیم

فرادی اقلاب تا سال ۶۱ شاهد بیرون رفتن با  
بیرون شدن نیروهای سیاسی هستید و عمدۀ  
نیروهایی که از این بازی بیرون می‌روند نیروهای  
چپ هستند.

در حالی که در سال‌های قبل از انقلاب براسان  
نظیریه و شوریه بعنوان نیروهای چپ شمرده  
می‌شوند. در سال‌های ۶۲ و ۶۳ به بعد شاهد ظهور  
نیروهایی هستیم که به خودش می‌گویند چپ، که این  
در جاریه گوشکش با یکسری روی‌ها چپ بودن  
خودش را مشخص می‌کند. نه اینکه آینه‌ای پوستگی  
چپ نداشتند ولی یک گستاخ عده‌هایی که این  
سایر نیروهای چپ قبل از انقلاب. مثلاً شما نگاهی  
به نیروهای تشکیل‌دهنده مجاهدین انقلاب اسلامی  
بکنید. در واقع بعد از انتخاب عده‌های در سازمان  
مجاهدین یک تفکر جدید در بخشی از نیروهای  
چپ اسلامی موجود می‌اید. حالا چه اتفاقی  
می‌افتد؟ این نیروها لطمه خورند، چرا که با  
پاسداران سنت دینی، یعنی معممن تراز اول قطع  
رابطه کردند - دلیل قطع ارتباطشان هرچه بوده  
- و چون این پیوند را قطع کردند ضربه‌پذیر شدند  
و دناتشان رقیق شد. این دنایت رقیق توان مقابله  
با ما، گیسم، ارادنشت و ضربه خودند. شما و قم،  
نه.

به استاد تالیس سازمان مجاهدین مراججه کنید همین استدلالها را خواهید دید. در اینجا یکسری خواستند عصر روشتفکری شان را از روحا نیت پذیرند. اتفاقی هم که در این میان یافته گشته مطرب شدن حضرت امام است. این دو پدیده با هم جفت و جور می شوند.

در اینجا شما نیروهای داریید که می گویند ما باید پیوندمان را با روحانیت حفظ کنیم ولی باید پگردیم دنبال روحانیت که هم بینش بالا دارد و هم اینکه مبارز باشد، این همزمان می شود با پذیرش عمومی حضرت امام، و در اینجا شخصیت را که می خواستند پیدا می کنند. به همین جهت نیروهای چپ عصرهای فکری شان را عمدتاً از مارکسیسم نمی گیرند و تصویرشان بر این است که خوارک فکری شان را از روحا نیت پذیرند. آنها به نوعی میان این نیروی فکری و نیروهای کارگری و حاشیه نشینی وسط می شوند. به این معنا چه اسلامی هم منابع فکری دارد، ولی دیگر پسندی این این حوزه که ملاحته کند، از این قدر است.

مثلاً رژی دبره، که یکی از روشتفکران موثر هستند در فرانسه و اروپا و انتقام لاتین و یکی تئوریسین های چنین مبارزه مسلحه انان بعنوان تکنگری احزاب طبقه کارگر بود. او بعداً در اردوگریون چنین کارگری فرانسه به حزب سوسیالیست نزدیک می شود و وقتی سوسیالیست ها به قدرت می رسد، در دوره دوم م شماور یا معاون رئیس جمهور را می گیرد. در دوره دهم راست هم اندره مارلو را می بینیم که در فرینگن ژنرال دوگل می شود، یا اکنون رابطه نزدیک با حزب کارگر انگلستان رامی توان مثال زد.

در خود ایران هم مثلاً دکتر خانلری را داشتیم که دوره ای به وزارت فرهنگ می رسد. این فعل و فعالات سیاسی که ملهم از اندیشه های شفکنگی هستند، وقتی به نیروی فرادست جامعه می شوند، این روشتفکران را هم در درون این مقامات اجرائی قرار می دهدند. در مقابل، احیا عقیده دارند یا بد مقاطعی تر نگاه کردند، و در نهایت این کسانی که متشکر از این اندیشه های

بین این چیز و چیزی که تبدیل شرطیه کرد، بودم  
نیست. به همین دلیل جنبش کارگری برای آنها  
گروهی است مثل هر گروه دیگر. بسیج توده‌ای و  
بسیج امت برایش مهم تر است تا بسیج کارگری.  
بسیج دید استی دارد و آشخورشان دیگر  
تحلیل‌های طبقاتی نیست.

□ جریانات روشنگری می‌توانند تعاملاتی با جنبش‌های  
کارگری داشته باشند. مثلاً در حرکات آنها جهت بدنه‌دید  
نوافق تئوریک‌شان را بطرف کنند...

■ من معتقدم روشنگری‌کارگری در ایران عمدتاً  
پرش‌های عمومی را پیش می‌کشد تا پوشش‌های  
گروهی را. در واقع پرش‌های روشنگری‌کارگری عمدتاً  
پرش دمکراسی است یا آزادی، سلام، گفتگو،  
تشکیل حزب... در واقع ما هنوز این تلاش ویژه  
را نداریم که به مسائل و طبقات معین اجتماعی  
پردازیم چه در ارتباط با جنبش کارگری یا جنبش

مع رهایی مه روسخانگری بعنوان پدر از مردم  
می‌کند دوران روشنگری واقعی اش است.  
بحتی است که می‌تواند ساعت‌ها ادامه داشته  
باشد و من خودم در این باره نظری ندارم.

□ در مورد حضور روشنگری‌کارگری در حرفه‌های  
اعمایی بطور خاص حرکت‌های کارگری چه می‌توان گفت؟  
از حذف نیروهای چپ از عرصه سیاسی ایران سعد از  
الاباب، به نظر می‌رسد حرکت‌های کارگری را بسط  
شناختنیکی با جریان روشنگری‌کارگری ندانند. شما را بسط  
شناختنیکی امروز را با حرکت‌های اجتماعی کارگری چگونه  
پنیند؟

■ من فکر می‌کنم باید به این مساله مقداری  
تر مدت رنگاه کمی و چند عامل را در نظر بگیریم.  
اینکه نیروهای چپ همواره در چارچوب  
یشان این پوده که باید پیوندی بین روشنگری و  
طبقه اجتماعی وجود داشته باشد. یعنی مساله

□ نقش روشنگران در تحولات اجتماعی ایران امروز را چگونه هی بینید؟ و نسبت میان آنها و قو dalle جامعه از دید شما چگونه است؟

■ به نظر من بیویه در چهار پنج ساله اخیر و به هر حال بعد از پایان گرفتن جنگ، شاهد پدیده اقبال مردم و گروههای اجتماعی به روش نگران هستیم. شاید تنوان گفت این پدیده کاملاً جدید است. اگر به تاثیر روشنگران و فعالیت‌شان در انقلاب مشروطه توجه کنید می‌بینید که این تاثیر کم نبوده. در عین حال می‌شود گفت تاثیر روشنگران در این دوره بر تعداد مددکاری از نخبگان گذشته بوده که در آن زمان انقلاب مشروطه تأثیر داشته‌اند.

رسانیده اند و میتوانیم از تاثیر روشنفکران بر تغییر ارزش‌های اجتماعی و سیاسی در دوران پهلوی دوم صحبت کنیم. در طول سال‌های دهه چهل روشنگرانی را داریم که از این‌جا شان از اوضاع عمومی کشور و جهتی که کشور به مستش می‌رود منسی است. وقتی به دنبال دلایل این ارزیابی متفق می‌گردند به این نتیجه می‌رسند که ناشی از غربی شدن یا غرب‌زدگی یا نگاه کدن به دیگران و خواست آنچه خودمان داریم از دیگران است. یعنی خواست روشنفکران عمدتاً خواست استقلال بوده و می‌بینیم که این خواست استقلال و بیگانه‌ستیزی چگونه تاثیر خودش را بر روند سیاسی می‌گذارد و انقلاب یکی از شعراهای عمداداش این بود.

هیئت‌نژاد است رویکرد روشنفکران در دوران پهلوی دوم به جستجوی هویت که بخش عمدادای از آن در میان روشنگرانی که متقد حکومت هستند چند هویت دینی و مذهبی پیدا می‌کند و باز هم می‌بینیم چگونه این ارزشی که توسط روشنفکران در طول یک دهه کار شده بود تبدیل به یکی از مهم‌ترین خواسته‌های انقلاب می‌شود. پس پیدا شدن روشنفکران پیدایه قدیمی است در ایران. در عین حال به نظر من مقبولیت اصراری روشنفکران بیش از آن مقداری است که ادامه مقبولیت تاریخی روشنفکران به حساب بیاید. به

او لایه نظر من روشنگران در فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب دچار سرکوب های شدید می شوند و عمدتاً به زور و بخشی به میل از صنه کاملاً خارج می شوند. وقوع جنگ به این خارج شدن روشنگران و مباحث روشنگری از فضای عمومی کمک می کند. بسیاری از منابع ایدئولوژیک روشنگران در این سالها (۵۷) (۴۷) مورد تزلیل قرار گیرد. هم آن روشنگرانی که منابع ایدئولوژیک شان را از چارچوب های دینی می گرفتند و هم آنها که از چارچوب های غیردینی اینها را می گرفتند به واسطه شکست بلوک شرق دچار تزلیل می شوند. یعنی تمام دلایل وجود دارد که ما شاهد وضعیت سیار فرسوده برای روشنگری و روشنگران در ایران باشیم. علی رغم این می بینیم که چگونه پس از پایان یافتن جنگ روشنگران ارام آرام وارد نفسی اجتماعی می شوند و چگونه به سرعت فضای اجتماعی را می گیرند و وضعیتی را پیش می اورند که امروز شاهدش هستیم. وضعیتی که هیچ نیرو و طبقه اجتماعی نفوذ و قدرت روشنگران را ندارد. مباحثی که امروز وجه غالب را در گفتار سیاسی فرازدست در ایران (گفتار سیاسی جنبش اصلاحات) دارد، تساماً گفتاری است که توسعه روشنگران اعم از دینی و غیردینی تمارک دیده شد و مقبول جامعه افتد و سرکردگی سیاسی در جنبش اصلاحات پیدا کرد. این به نظر من مهم ترین پدیده روشنگری است که امروز باید به این اشاره بکنیم. اگر این پدیده را بشکافیم، می توانیم به عناصر تشکیل دهنده این اختلاف اشاره بکنیم.

■ ملتمسی بروگی و این اولین اندیشه‌ای بود که مخصوصاً مهم ترین در حوزه سیاست است. بینید! نثار آقای خاتمی بعنوان نثار راهبرد اصلاحات بر چه مفاهیمی استوار است؟ آن چیزی که بر مفاهیم دینی استوار است مانند مردم‌سالاری دینی، تساهل دینی، پرهیز از خشونت در دین و بعثت‌هایی است که توسط روشنکران دینی از بعد از جنگ تاکنون جریان داشته است. در وجه عربی ترشی، مساله جامعه مدنی، تحریب، تشکیل باقیگانی جامعه، مشارکت، همزیستی فرهنگ‌ها (آن چیزی که آقای خاتمی آن را گفتگوی تمدن‌ها) نامید و مباحثی است که عدت‌تا توسعه روشنکران سکولار در سال‌های بعد از جنگ تا زمان انتخابات بحث شده بود، و می‌شود بی آنها را در نظریات پس از جنگ تا دور خرداد گرفت. در حوزه‌های دیگر نیز چنین است.

متلا جنبش دانشجویی طریق جنبد که رادیکال‌تر از بقیه جنبش‌های اجتماعی ماست، بطور مشخص در یک تکاپوی اصلاح طلبانه قرار داردند. به نظر من انتخابات مجلس چهارم یک نقطه عطف در جنبش دانشجویی از جهنه نظری بود، و در آن جنبش دانشجویی مهم‌ترین ضریب را خورد. چون پیش از آن یک مقام انتخابی برای خود منتصور بود و فکر می‌کرد انتخاب را او به جلو می‌برد، ولی بعد از این ضریب و قتی دوباره سر بلند می‌کند، دیگر جنبش دانشجویی برای خودش چنین نتشی دست اولی را قائل نیست و خود را یک حرکت در کنار سایر حرکت‌های سیاسی و در جهت تغییرات نهادینه در چارچوب حرکت اصلاح طلبانه می‌داند.

بخشی از روشنکران نخبگانی هستند که به تولید فکر

# ضرورت تشکیل علنی فراکسیون رادیکال

## فُدائيَانِ اکْثَرِیَتِ!

علی اکبر

که در میان ما (فهنهنگ پخشی از ایرانیان) وجود دارد، دیگر فرضی برای افکار دیگران نمی‌ماند. همیشه روی شونده به کسی است که آوازه بیشتری به هر قیمت اندوخته و اگر در گوشه و کناری کسی هم حرفی ولو درست زد، در زیر خوارها خوار خفه می‌گردد. بد هر حال این روند تازمانیک جامعه ایران به نان و نوائی نزرسیده و رشد فرهنگی نکرده، ادامه خواهد داشت و تنها باید افراد روى شناسانش سایه بگذارند. این یک فرهنگ عمومی است که مختص به یک گروه یا بخشی نیست، متأسفانه در ایران و در میان ایرانیان عمل می‌کند. و خدا چندان که عده زیادی چه هزینه‌های گزافی را بپذیرد در تحمل این شویه بپردازند. در سازمان ما افکار گوناگونی در باب مسائل مشخص و بعضاً بغيرمنزج وجود دارد. بعنوان مثال می‌توان از فکری خداهاشخص گردد ولی در این میان افکاری در چهت پایان دادن به جمهوری اسلامی، این موقعيت مالی، شخصیتی، جغرافیائی، توان اعمال اراده در همگی یکسان نیست. مثل این می‌تواند باز هم از فکری نام برد که خاستار برکناری کامل جمهوری اسلامی است. من خود بده لیف فکری دوم تعلق دارم. در اینجا من بغيرمنزج وجود دارد. بعنوان مثال می‌توان از فکری خداهاشخص گردد ولی در این میان افکاری در چهت پایان دادن به جمهوری اسلامی، این موقعيت مالی، شخصیتی، جغرافیائی، توان اعمال اراده در همگی یکسان نیست. مثل این می‌توانست که یکی در نزدیک قله‌ای ایستاده و دیگری در میانه و عده‌ای در پای قله هستند و بخواهند به یک منظره استفاده کنند (البته آن که در پائین و یا در میانه است و خود حركت کرده مناظری را می‌بیند که آنکه در بالا است و خود حركت نکرده، نمی‌تواند بینند که این هم ناشی از آن است که این مسافت عادلانه نشده، که باز هم سخن دیگریست). به هر صورت تنها یک خود او نوشته می‌شود و خود مسئول گنجاندن این نام عمل کنیم، دیگران هم می‌توانند بر اساس فراکسیون خود عمل کرده و انگاه هر کس لازم نیست پای عمل دیگری برود. کارنامه هر کسی به پای خود او نوشته می‌شود و خود مسئول گنجاندن این نام عمل کنیم، دیگران هم می‌توانند پر از خشونت و رادیکالیسم فیزیکی کرد. این نوع رادیکالیسم در نوع برخوردهای حقوق محروم و رابطه‌اش در چهت برکاری خشونت است. رادیکال سازمان راسازمان بدبهم و سیاسی است. تمامی اهداف و عملکرد این فرقه‌کسیون رادیکالیسم در نفع برکاری حقوق شعراهای تند و لزوماً جنگ و خشونتها را باید در جهان. رادیکال سیاسی است و یکی از اهدافش هم برخورد به خشونت کور و دفاع از قربانیان خشونت است. رادیکالیسم در پیگیری حقوق مردم و محروم متعنا پیدا می‌کند نه در شعراهای تند و لزوماً جنگ و خشونتها را باید در جهان. رادیکال شاید به غلط به گروههای گفته شود که از منطق مبارزاتی برخودار نیستند و به اعمالی دست می‌زنند که بیشتر به نفع طبقات دارا تسام می‌شود که یکی از این روشها خشونت است. رادیکال به کسی صحیحاً اطلاق می‌گردد که در رسیدن به هدفهایش پیگیر و سنتrum بآشید. در سیاست یک سیاستمدار می‌تواند در چهت ریشه‌کن کردن افکاری که بر ضد آن برخواسته، بکوشد. اما این مطلق ریشه‌گران را می‌رسیست شناخت. رادیکالیسم در این متعنا پیدا می‌کند که تا چه اندازه پخواهیم عبدالالت را در افکار و اعمالان به کار بندیم. زمانیکه یک رادیکال حق حیات را برای همگی محفوظ می‌دارد، انگاه برای به دست اوردن این مهم می‌کوشد. این اتفاق سرراست ترین روش رادیکالیست است، یعنی حق عیان و شکار برای همه، به اینکه تنها برای خود و فکار خود و ارجحیت برای خود قابل شدن.

تازمانی که علني با تابلو حرف نزد کسی نمی داند که رویش را بد سوی کجا بکند. یکی از ایدهای دمکراتی مشخص بودن آدرسه است. در مبارزه راههای فراوانی برای رسیدن به هدف وجود دارد. این راهها همه می توانند موفق امیز باشند. یک راه می تواند از راه دیگر کوتاهتر باشد یا اینکه در ظاهر منطقی تر باشد، اما نمی توان اعدا کرد که تنها این راه به هدف می رسد. برای جریان سیاسی کار خیلی مشکلی است که تمام این راههای مبارزاتی را استحان کند و از راه سکوندار است و بعضی غیرمسکن می باشد. می ماند اینکه یک جریان یا یک سازمان راهی یا راههای معین بسیامد. در سازمانهای بسته و غیرdemokratic این موضوع به آسانی قابل حل است. یک راه برگزیده می شود و بد هر صورت باید پیموده شود. بد نور اراده و انبساط خشک و بین منطق. اما مشکل در سازمانها و جریاناتی است که می خواهند ساختارشان دمکراتیک باز باشد. افراد حق داشته باشند و بتوانند «نه» بگویند و راه دیگری را پیشنهاد کرده و در راه آن بکوشن. سازمان ما دیر زمانی است که با یکدست کردن تشکیلات و فرمان از بالا و تعیین از پائین مرزبندی کرده است. این هم به همت و پافشاری و اعتراض از پائین و رخداد مجموعه حوادث و رویدادها در سطح جهان، حاصل شده است. سازمان فداییان آکثریت اینک یک سازمان با استخوانبندی دمکراتیک می باشد. منتهای این تنها کافی نیست و این روند باید گسترش داده شود. اگر این در همین راستا بیان کرد که تشکیلات به خودی خود هدف نمی باشد، بلکه وسیله ای است در جهت به دست آوردن یا رسیدن به هدف معین. پس اگر این وسیله هر چند یکبار اصلاح گردد و زوائد آن گرفته شود، بهتر می تواند مسیر برگزیده را پیماید. در یک تشکیلات دمکراتیک هر کس باید پتوان بنام خود سخن بگوید و انتخاب کند. کسی مقدی به تائید برگزیده دیگری نباشد. تنها چیزی که در تشکیلات دمکراتیک معیار است توافق داوطلبانه برای در کنار هم بودن است. این توافق به معنای تائید و یا دنباله روى از فکر می گردد. این مانع از تبدیل شده که سازمانان دمکراتیک باشند. اینهم پذیرفته شده که هیگان حق انتخاب کردن و شدن را دارند، اما هنوز سایه گذشته بر تمامی عرصه ها وجود دارد. هنوز همانها که در سابق تصمیم می گرفتند، تصمیم گیر نده هستند. هنوز فکری در سازمان بطور نهان یا آشکار اعمال اراده می کند که بافتش از روابط دیپلماسی دوران جنگ سرده نشات می گیرد. این فکر پیشتر بدنبال سازش از بالاست. بالا منظور کنار آمدن با حکومتهای وقت است. به هر صورت در یک سازمان دمکراتیک همه کس حق دارند روش خود را تبلیغ کنند، در این شکنی نیست. اما مشکل آنچه بسندۀ کرد که با هم بودن، ولو به قیمت هر چیز پیدا می شود که این اعمال به حساب همگی یویشه شود. مثل معروفی است که می گوید: این ائمه خالت به خوری پاته، نخوری پاتا! در آشتگاه بازار دنیا سیاست نمی توان تنها به این بسندۀ کرد که روش را پیش ببرند، تکلیف کسانی که نمی خواهند این روش را پیش ببرند، چیست؟ اما که نمی خواهیم روش را در پیش بگیریم و در ذاتان نیست که این گونه سیاستها را پیذیریم، آیا باید پیشینیم تاکی اکثریت بد من نوعی رأی بپدیده و آنگاه نظرم را پیش ببرم، یا اینکه من هم حق داشته باشم که نظر خود را حتی به طور فردی تبلیغ کنم. همانطور که در بالا گفتم هنوز تا رسیدن به دمکراتی راه زیادی در پیش است. بعنوان مثال عده ای هنوز نان شخصیت گذشته را می خورند. با آن سرمایه شخصیت را عده ای حالا چه خوب یا بد در زمانهای معین اندوخته اند و با فرهنگ احترام و گزینش کاذب

ملت ایران خواستار مبارزه قاطع با تروریسم و بنیادگرائی بدون قید هیچ پیش شرطی است

دانش باقرپور

۲- جاگیری این انتخاب می تواند به تقویت توازن قوا و تسخیر افکار عمومی در مسیر رشد و توسعه سیاسی و فرهنگی کشور کمک شایان نماید و در حوزه روابط های جناحی و اجتماعی به تغییر موقعیت کیفی اصلاح طلبان رادیکال و در نهایت به سود «نیروی سوم» منجر شود و موضوعیت برنامه و راهکارهای عرفی پیک نظام «سکولار» را در افکار عمومی مردم بیش از پیش تقویت سازد. از سوی دیگر آیت الله خامنه‌ای که همواره دغدغه نفوذ فرهنگ پیگانه در بلاد اسلامی را در سر دارد و دانما از نفوذ فرهنگ و دشمن در خانه داد سخن می‌گوید، همراهی و همگامی ملت ما را با جامعه جهانی به زیان باورهای اسلامی نظام ارزیابی می‌کند.

۳- اقتدارگرایان که حاکمیت مذهبی در ایران را امتحانی چهان اسلام می‌دانند، و در طی دوران گذشته همواره در ابعاد گوناگون به تقویت جنبش های اسلامی در سراسر ممالک جهان پایاری رسانده اند، اکنون نیز مصلحت و منافع آنان حکم می‌کنند که کماکان راه طی شده را ادامه دهد و در اختلاف سیاست خارجی در را بر همان پایه های قرار دهند که در دو دهه قبل قرار داده شده بود. بنابراین می‌باید اولویت های اصلی سیاست خارجی که تاکنون توسط روحانیون محافظه کار و پلتدپایه اتخاذ گردیده ادامه باید و از هرگونه تغییر و همسویی غیرمشروط با نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی که منجر به تضعیف احکام شرعاً شود خودداری بعمل آورد. آیت الله خامنه‌ای در صدد است که از فرصت موجود استفاده بسیه به عمل آورد و ترسکی از کشورها را برای هماهنگی در خلق یک قطب اسلامی در مقابل غرب به یکدیگر نزدیک سازد، تا در صورت شکل‌گیری چنین قطبی ضمن استیازگیری از غرب، احکام اسلامی را نیز تقویت سازد و بد تبع آن به دایره قدرت سیاسی نزدیک تر نماید و چهان اسلام را به زندگی سیاسی و اجتماعی در مقابل غرب مبدل سازد. اینکه وی تا چه مقدار در انجام این کار موفق خواهد شد، بستگی به مضمون پیشبرد سیاست های غرب بویژه امریکا با آن بخش از چهان فقیر و کم تسویه یافته دارد، که هر روز ما شاهد رنج و فلاکت مداوم آن هستیم.

آیت الله خامنه‌ای بجای آنکه همه امکان و توان کشور ما را معمولی به حفظ منافع ملی نماید و در تامین و تقویت آن از هیچ گوششی فروگذار نکند، بایان اظهارات غیرواقع بیانه پیرامون حوادث اخیر، اعلام موضع برخی از مسئولین دولتی را هم که تاثیر مثبتی بر افکار چهانیان داشت، تحت شعاع بیانات غیر مسئولانه و خشنونت بار خویش قرار می‌دهد و هیچ تلاشی را در سطح مسئولین کشوری برای تفاهم ملی در تقابل با اقدامات تروریستی بعمل نمی‌آورد. موضوعگیری وی حول سیاست کلان خارجی، به هیچ عنوان از ابعاد مستولانه و ملی پرخوردار نبود و با اعلام دیدگاه های ایدئولوژیک و غیر ضرر به تهییج حضار بر شعار «مرگ بر امریکا» به تقویت افکار برخی از دولتمردان بیگانه در دیگر از مناطق چهان پرداخت که در کمین فرود اوردن ضربه به منافع ملی کشور ما نشسته‌اند.

آقای خامنه‌ای با اظهاراتی چون «آمریکا تاکنون هیچ سندی مبنی بر دست داشتن طالبان یا بن لادن در حادث اخیر ارائه نداده است» «نقل به مضمون» موضع رسمی ایران را تا سطح اظهارات فرد مجنونی چون «ملا عمر» تنزل داد و توجیهات لازم را در تقویت حضور گسترده نظامی امریکا در خاورمیانه به شکل طولانی مدت، از آن دولتمردان ایالت متحده امریکا ساخت، و بستر توسعه طلبی را در آستان تقویت نمود.

همه ما واقفیم که بیان اینگونه اظهارات، کل منطقه خاورمیانه و آسیای میانه را دچار بحران خواهد ساخت و تفاسیر گوناگونی را از موضع رسمی ایران برای دیگر تحلیل گران غربی بیان خواهد گذارد، و آن را در خدمت بحرانی ترکدن اوضاع قرار خواهد داد.

খনان آیت الله خامنه‌ای، رضایت و آرامش خاطر محدود افرادی را برانگیخت، زیرا که خلط کردن و یکسان سازی محکومیت پدیده تروریسم با خطر وقوع چنگ در افغانستان با مخالفت های گسترده افکار عمومی در ایران روپر و شد.

«آن سوی دیگر چهره تروریسم» رشد بینادگرانی در خاورمیانه و رادیکال ساختن مطالبات عمومی مردم منطقه، بویژه «ملت فلسطین» تسامما حاصل سیاست های



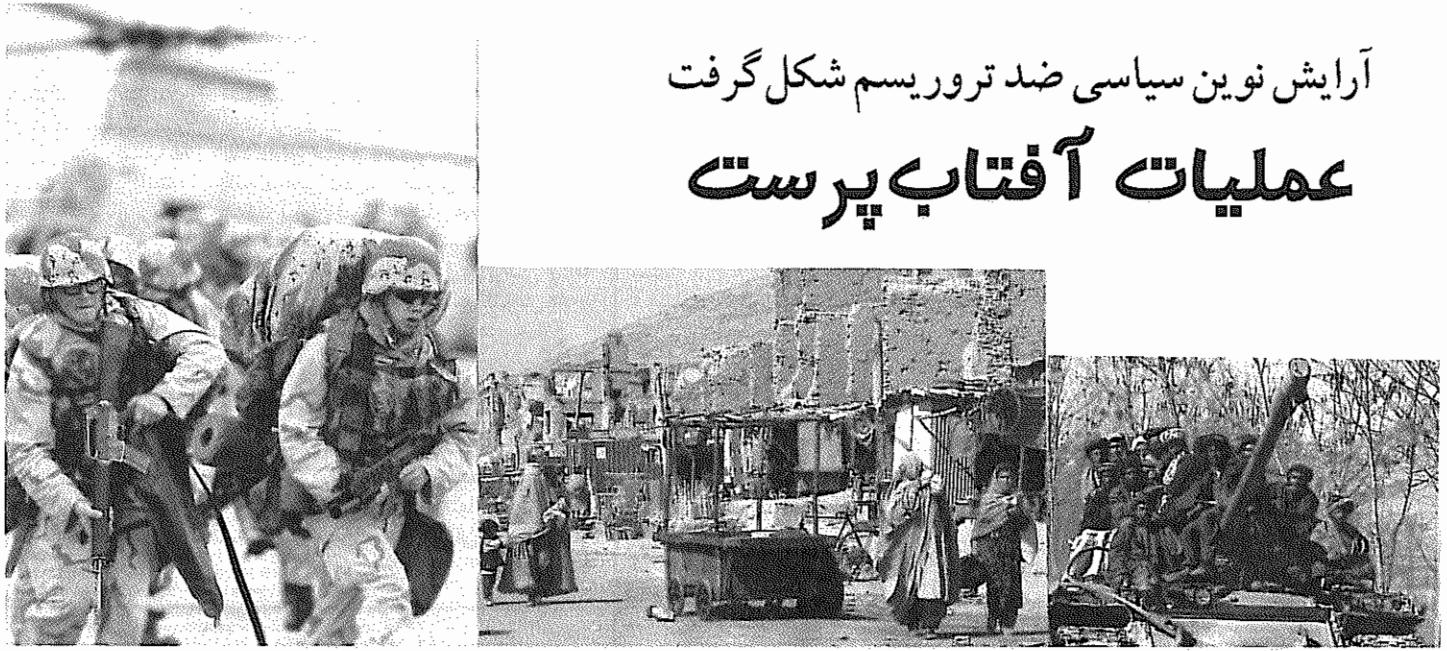
 <b>فرم درخواست اشتراک</b> اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تجدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: عدد اشتراک: شش ماهه <input type="checkbox"/> یک ساله <input type="checkbox"/> تاریخ: <b>Name:</b> ..... <b>Address:</b> ..... ..... .....   <b>فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله یانکی یا نصیر)</b> <b>به آدرس</b> ..... <b>پست کنید!</b>
--

شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام گیر: 9322136 - 221 - 0049  
 تک فروشی: میعادل ۴ مارک آلمان  
 بیهاد اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک:  
 یک ساله ۱۲ مارک:  
 سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک:  
 یک ساله ۱۱۵ مارک:

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۰ - ۲۰۰۱ دوره سوم - شماره ۲۶۶  
KAR - No. 266 Wednesday 3. Oct. 2001  
G 21170 D

## آرایش نوین سیاسی ضد تروریسم شکل گرفت عملیات آفتاب پرست



مردم فقیر و گرسنه افغانستان در محاصره تروریسم داخلی طالبان و حمله احتمالی ارتش آمریکا

اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مودم افغانستان نباید

تناوان جنایت‌های تروریسم را بدنه‌د!

در این لحظات نگران کننده که مردم زجر دیده کشور همسایه ما، افغانستان بشریت صلح دوست با شیعیان سینگین یک چنگ استقامت جویانه و کور روبی و شستند، همگان موظفند تا به مقابله با سیاست‌های بی‌فرجام محاقف چنگ طلبانه از آمریکا و ماجراجویی های خاندان‌سوز طالبان در افغانستان برخیزند و با کید بر شیوه‌های هدفمند و انسانی مبارزه با ترویریسم، مانع از کشتن مردم پناه افغانستان شوند.

اکنون که اراده نیرومند و متحدی در پنهان چاهان برای مبارزه با ترور و روریسم شکل گرفته است؛ حال که در حد همان شوادرد رسماً اعلام شده، روریست سایه‌دار «اسامه بن لادن» متهم و مظنون اصلی در وقوع جنایت پیغام دهشتگار نیویورک و واشنگتن علیه شهروندان آمریکا معترض شده است؛ و اینکه پس از سالها تاخیر چهار ناپذیر و غیرقابل رشایش دولت آمریکا، سرانجام «طالبان» این دستیخت شیطانی نظایران حاکم بر پاکستان رای تحویل این ترویریست تحت فشار قرار گرفته است، ما اعلام می‌داریم که: اساسه بن لادن باید از سوی طالبان تحویل داده شود، اما در یک دادگاه نمکی محکمه شود، او نه تنها همین به اقدام دهشتگان اخیر در آمریکا، بلکه مجчин‌شهم به سیار چنگ و قتالی است که در طول یست سال گذشته زیر

رسیده رویسه کمک‌های نظامی  
گستردادی در اختیار نیروهای  
ائتلاف شمال قرار داده و ادھای  
مخصوص ارتش انگلیس در کنار  
نیروهای این ائتلاف با طالبان در  
جنگ هستند.

دولت پوش اشتباه  
استراتژیک اولیه خود را تصویح  
و مسئله مبارزه علیه  
«تیروریسم» و «اسلام» را از هم  
تفکیک کرد. از یک سو جرج  
بوش در مسجد مسلمانان آمریکا  
حضور یافت و از سوی دیگر  
سکوت دولتها و رسانه‌ها در  
مورد جنایات طالبان در  
افغانستان شکلخت. طالبان اعلام  
کردند در صورت حمله آمریکا به  
افغانستان اعلام جهاد می‌کنند.  
تشدید اختلال حمله آمریکا به  
فرار مردم از شهرها آنجامید.  
هم‌اکنون صدها هزار نفر در  
سخت ترین شرایط در جوار  
مرزهای پسته پاکستان و ایران  
در اردوگاههای آوارگان زندگی  
می‌کنند. سازمان ملل نسبت به  
ادامه در صفحه ۱۱

قریب الوقوع نظامی آمریکا به افغانستان هستد، فعالیت‌های دیپلماتیک گستردگی برای تشکیل یک جمهوری وسیع سیاسی ضد تروریسم در جریان است. در نخستین اقدام، آمریکا تحریم‌های هند و پاکستان که بعد از آزمایشات اتسی این دو کشور به اجرای گذاشته شده بود را لغو کرد. هفته گذشته تحریم علیه سودان نیز لغو گردید. سپس وزیر امور خارجه انگلیس عازم ایران و پاکستان شد و روز بعد هیئت ترویجکار اروپا به مشترکه مسافرت کردند. روسیه، ارمنستان، کشورهای آسیای مرکزی و اوکراین آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا اعلام کردند. آمریکا از چین نیز تقاضای مشارکت در تامین اسلحه و شرکت در مبارزه علیه تروریسم کرده است. ولادیمیر پوتین در مسافرت خود به آلمان از خصوصیت روسيه در ناتو و اتحاديه اروپا سخن گفت.

امام الغامدي، فائز احمد، مروان  
الشيعي و فهيد الشرقي ربوود و به  
برج جنوبي اصابت كردا.  
در همه تيمهای تورو حدقائل  
يک نفر آشنا به فن خلاباني که در  
مدارسهاي در فلوريدا آموزش  
ديده بود وجود داشت. همه  
اعضاي تيمهای ترسور از  
کشورهای مختلف عربی،  
تحصیل کرده و از  
خانواردهای شروع تمند  
و صرفه بوده اند.  
برای سازمانهای امنیتی نحوه  
رفتار و زندگی این افراد مانند  
«اقتباس پرست» است. تدارک  
این عملیات سالها طول کشیده  
است، نه تنها هیچیک از آنان  
تاکنون در محافل اسلامیستی و  
تندر و دیده نشده اند، بلکه شیوه  
زندگی «غیری» از خود ارائه  
می داده اند. دوستان و  
خانوادهای آنان از نحوه تفکر و  
زندگی آنان با اطلاع نبودند. همه  
آنها زندگی عادی و انسان های  
معمولی بودند که ناگهان در روز  
منیزه زندگی را که کنند

- پس از انفجارهای نیویورک و واشنگتن پلیس آف. بی. آی. اسمی ۱۹ جوان عرب را بعنوان مسیبین عملیات انتحاری روز ۱۱ سپتامبر منتشر نمود. بر طبق این گزارش:
- پرواز شماره ۷۷ شرکت هوائی امریکن که از واشنگتن به پرواز درآمد توسط خالد المحضار، ماجد سفید، نواف و سالم الخمری ربوه شد و به ساختمان پنتاگون اصابت کرد.
- پرواز شماره ۹۳ شرکت هواپیمانی یونایتد که از نیویورک به پرواز درآمد توسط زیاد الحراج، سید الغامدی، احمد النعمی ربوه و در ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد.
- پرواز شماره ۱۱ شرکت هوائی امریکن توسط محمد عطا، عبدالعزیز الععری، ولید و واصل الشهري و سلطان اقسامی ربوه و به برج شالی ساختمان تجارت جهانی اصابت کرد.
- پرواز شماره ۱۷۵ شرکت از نیز

پانین آوردن ظرفیت تولید خود هستند که در فصل دوم سال جاری به میزان ۱۵ درصد کاهش یافته است. تا قبل از تروها بانک مرکزی آمریکا ۷ بار پیوپایه پول را کاهش داد ولی تاثیری در جلوگیری از بروز رکود نداشت، زیرا پول «ارزان» برای سرمایه گذاری مفید است اما از آنجایی که بحران در قسمت «عرضه» یعنی تولید وجود دارد این سیاست پولی بدون تاثیر ماند. تا زمانی که اینارها خالی نشود و ظرفیت تولید پانین آورده نشود، شرکت‌ها به سرمایه گذاری جدید دست نخواهند زد.

садرات آمریکای لاتین به سالات می‌جذده است. هر ک درصد رشد کتر اقتصادی ر آمریکا به معنی نیم درصد شد کمتر در کشورهای اتحادیه اروپا است و مالزی بیش از یک همبار در آمد سرانه خود را از برق صادرات به آمریکا کسب رده است. از سوی دیگر کمتر نسخن آمریکائی است که راقص تقاطع جهان شعبه نداشته شد. یک ضرب المثل قدیمی گوید «اگر آمریکا عطسه کند، و پسرما می‌خورد!» پرسی عل رکود اقتصادی ر آمریکا بعد از جنگ جهانی و م نشان می‌دهد که همواره با رازیابی قیمت‌ها شروع و به

توور مزید بر علت شد! متخصصان مسائل اقتصاد کلان ضرر و زیان ناشی از تپورها را ۲۵ میلیارد دلار پراوره می‌کنند. بر اثر شوک این تپور رشد اقتصادی امریکا یک درصد از خود کاهش نشان داد و از برآورد  $2/0$  درصد مثبت به  $8/0$  درصد منفی رسید. پس از حمله به امریکا ارزش سهام شرکت‌های هوایپاس سازی، خطوط هوایی و شرکت‌های پیامه بشدت سقوط کردند. بنا بر برخی شواهد آغاز سقوط بهای بورس این شرکت‌ها قبل از حملات بوده ادامه دصفحة ۱۱

هزایش نرخ بهره و سپس کم دهن میزان سرمایه گذاری و خراج کارگران و تنزل مصرف جامدیده است. این بار اما رکود آمریکا ناشی از سرمایه گذاری بیش از حد در سرمه «TAT» است. شرکت‌های از زنده نیمه‌هادی‌ها، میخبارات، سامپیوتر در سال گذشته بر نجایش تولید خود  $5/0$  درصد افزودند. میزان میانگین رمایه گذاری در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ بهتر متوسط سال  $2000$  درصد رشد نشان دهد. اینک با توجه به شرایط اخیر این شرکت‌ها در حال

## بررسی وضعیت اقتصاد جهانی سمر آذ ترو، علیہ آمریکا

محمد صالح



در اروپا نیز وضعیت به همین گونه است. اقتصاد از رشد افتاده و بر تعداد بیکاران هر روز افزوده می شود. تنها در شش ماهه اول سال جاری در المان ۱۴۵۰ شرکت اعلام اورشكستگی کرداند که نسبت به شش ماه اول سال گذشته ۶ برابر افزایش نشان می دهد. نرخ تورم به ۳ درصد رسیده و شاخص های بازار سهام هر روز سیر نزولی دارند. به نظر مردم و پژوهیت نامطمئن یورو که اوائل سال آینده واحد پول مشترک ۱۱ کشیور اروپائی می گردد، بر سرمایه گذاری و وضعیت اقتصادی اعضای اتحادیه تاثیر گذاشته و پیشاری از رشتہ های اقتصادی و صنعت محتاطانه عمل می کنند.

نرخ رشد اقتصادی ژاپن در چهارماهه اول سال جاری برای اختیتین بار «منفی» شد و میلیارد دلار در بازارهای بورس چهار سه ماهه گذار، که دادنکه

در نگاه اول به نظر می‌رسد تروهای روز سهشنبه ۱۱ سپتامبر در امریکا تاثیرات عمیقی بر روی وضعیت اقتصاد جهانی به جای گذاشته باشد. برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول بازار بورس داوجونز در نیویورک بر اثر ترورها چند روز تعطیل شد و پس از بازگشائی مجدد ۱۴/۳ درصد سقوط کرد. بالاترین سقوط بهای سهام در سالهای رکود اقتصادی دهه ۳۰ به میزان ۱۵ درصد بود. تمامی بازارهای جهانی شاهد سقوط آزاد چندین شاهنخ بورس مثل سهام پیمه، سهام شرکت‌های هواپیمایی و هواپیماسازی و غیره بودند. بانک مرکزی امریکا بخطاطر پشتیبانی مالی برای هشتمین بار متواتی بهره پایید سرمایه را کاهش داد. متعاقب آن وزرای اقتصاد و دارائی کشورهای عضو اتحادیه اروپا تشکیل جلسه داده و انجام اقداماتی را برای مبارزه با شرایط کنونی به تصویب آغاز کردند.

رسانیده‌اند.  
نایاب از تورهای  
وقتی که سال ۱۹۹۹ در سی-  
هزاران نفر به خیابانها ریختند  
علیه «گلوبالیسم» به تظاهر  
پرداختند. «واقعیت  
اقتصادی» بر علیه آنان بود. و  
اقتصادی، در ایالات متّحدة و